

پدیده شهرنشینی در جهان در آغاز قرن بیست و یکم میلادی وارد مرحله جدیدی از فرایند خود شده است. بطوریکه برای اولین بار در تاریخ بشر ۲ درصد از مساحت کره زمین را شهرها اشغال کرده و حدود نیمی از جمعیت جهان را در خود جای داده اند. (ارجمند نیا، اصغرب بوم شهر، ۱۳۷۹، ص ۲۷)

بنابر اعلام مرکز اسکان بشر ملل متحد Habitat در سال ۱۹۹۶ یک پنجم جمعیت جهان فاقد خانه ای در شأن زندگی انسان بودند که دامنه گسترده ای از بی سرپناه ها و خیابان خوابها تا آلونک نشینها را دربر می گرفت. نگران کننده تر این است که نسبت و تعداد این گروهها در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه رو به افزایش بوده است. به طوری که در منطقه آسیا - اقیانوسیه، حدود ۶۰ درصد جمعیت شهری در سال ۲۰۰۰ میلادی به این شکل مسکن گزیده اند. در همین ارتباط کمیسیون جهانی آینده شهرها در قرن بیست و یکم میلادی نیز هشدار داده است که به موازات رشد کلان شهرها، فقر شهری در کشورهای فقیر افزایش یافته، بخش عمده ای از رشد شهرنشینی بر پایه اقتصاد غیر رسمی و همراه با گسترش مناطق حاشیه ای و خودرو صورت خواهد گرفت.

حاشیه نشینی به عنوان یک معضل در شهرها امری شناخته شده است در واقع مسأله حاشیه نشینی کم و بیش در همه شهرها وجود دارد و پیامدهای منفی زیادی را برای شهرها به همراه دارد و همچنین به عنوان عاملی بر سر راه توسعه نیروی انسانی نیز مطرح می باشد. در همه شهرهای بزرگ حاشیه نشینی یکی از انواع سکونت می باشد، که زندگی در این مناطق اغلب با افزایش جرم رابطه مستقیم و نزدیک دارد.

همچنین از بعد اقتصادی، افزایش مهاجرین غیر ماهر و غیر متخصص، موجب پیدایش بیکاری پنهان و توسعه غیر ضروری بخش خدمات می شود. اجتماعات حاشیه نشین اگر با مطالعات ژرف و کافی و با برنامه ریزی آینده نگر همراه نباشد، تنها مشکلی را حل نمی کند، بلکه به دامنه مسائل اجتماعی موجود نیز می افزاید.

بنابراین برای حل مشکل حاشیه نشینی پیشگیری بهتر از درمان است.

برخورد با پدیده شهرنشینی و رویارویی با مسایل و مشکلات ناشی از آن در کشورهای مختلف، متفاوت بوده است. این رشد شهری و کالبدی آن ناشی از یک سری عوامل گوناگون می باشد که تعدادی از عوامل در بعضی شهرها پررنگ تر و تعدادی نیز کم رنگ تر می باشد. تمرکز امکانات و منابع در کلیه زمینه های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در شهرها بخصوص در شهرهای بزرگ به روند شهرنشینی در این کشورها سرعت و شتاب بیشتری داده است.

یکی از پیامدهای این روند، توسعه و گسترش بی رویه شهرهاست که در نتیجه مهاجرت های روستا - شهری و افزایش طبیعی جمعیت به تبع از شرایط اقتصادی - اجتماعی این کشورها روی داده است. کشور ما نیز که در زمره کشورهای جنوب جای می گیرد در پی تحولات نظام اجتماعی، اقتصادی و سایر تحولات به خصوص در قرن اخیر و از دهه ۱۳۴۰ به بعد شاهد گسترش شتابان شهرنشینی است.

در نتیجه افزایش جمعیت شهرها در اثر روندهای مهاجرتی از روستا به شهر و افزایش طبیعی جمعیت شاهد گسترش بی رویه و شکل گیری مراکز جدید جمعیتی در نقاط مختلف کشور بخصوص در شهرها هستیم . عدم وجود منابع و امکانات کافی برای پاسخگویی به نیازهای تازه واردین به همراه عدم توان مالی مهاجرین برای تامین امکانات مورد نیاز خود از جمله مسکن مورد توجه آنان قرار داده است. شهر سنندج یکی از شهرهای استان کردستان با مرکزیت سیاسی آن است که تحت تاثیر تحولات نظام اجتماعی - اقتصادی منطقه تغییرات زیادی را بر پیکره خود بخصوص از دهه ۱۳۵۰ به بعد شاهد بوده است . مهاجرتهای برون منطقه ای و درون منطقه ای و افزایش جمعیت به همراه سایر تحولات اجتماعی - اقتصادی باعث توسعه و گسترش شهر سنندج شده اند. البته توسعه و گسترش شهر سنندج بدلیل ضعف منابع و امکانات شهری و همچنین ضعف مدیریت شهری در اداره شهر ، نابسامانی فضایی شهر سنندج را به دنبال داشته است توسعه کالبدی نامنظم شهر سنندج در پی نیاز به مسکن جمعیت این شهر و شکل گیری محلات خودرو (حاشیه ای) و برنامه ریزی نشده و همچنین ادغام روستاهای مختلف در پیرامون شهر سنندج اتفاق افتاده است . این مساله به دلیل قرار گرفتن نامنظم مناظر شهری در کنار یکدیگر و همچنین عدم نظارت و کنترل اصولی مدیریت شهر بر نحوه گسترش کالبد شهر باعث به هم ریختگی فضای شهر سنندج شده است . در نتیجه این امر ، سازمان فضایی شهر ، که می بایست مجموعه ای از عناصر نظام یافته در فضا باشد، به دلیل نامنظم بودن عناصر شکل دهنده آن مشکلاتی در کلیت سیستم این شهر به وجود آورده است. لذا در این پژوهش سعی شده است ضمن بررسی علل و آشفتگی فضایی مناطق حاشیه نشین به تاثیر و نقش مهاجرت در ایجاد این معضل و راهکارهای شهری و فرا شهری برای رفع آن پرداخته شود.

طرح مسأله

فرهنگ مادی و معنوی شهری، حاصل دستاورد بزرگ کانون تمدن ساز از چند هزار سال پیش تاکنون بوده است و دستیابی به رفاه و آسایش فزاینده در محیط زیست شهری، از دغدغه های فکری فرهیختگان به ویژه کارشناسان آشنا به مسائل شهری در دو قرن اخیر می باشد. با گذشت زمان، نابودی منابع طبیعی شهری، از جمله زمینهای کشاورزی و منابع آبها توسعه ناموزون آن، فقدان مدیریت کارآمد شهری با وضعیت نابرابر اقتصادی، مهاجرت سیل آسای جمعیت روستایی به شهرها، تراکم و فشردگی این مهاجرین در محله های مختلف و جدایی گزینی در شهرها، از مسایل و معضلاتی است که چشم انداز ناپایداری را بر شهرها تحمیل کرده است. چنین تحولی موجب گستردگی محدوده خدماتی شهرها شده که انبوه جمعیت شهری را با سطوح طبقاتی متفاوت اجتماعی در خود جای داده است. با پویای فزاینده و سریعی که در ساخت کالبدی شهر، از سال ۱۳۵۰ به بعد یعنی اوج دوره رشد شهرها و هرج و مرج توسعه کالبدی شهری ایران، آنچنان وسعت می یابد که حتی تدوین قوانین سخت برخورد قهر آمیز شهرداریها نیز از بروز آن عاجز می ماند. نتیجه آنکه شهرهای ایران به خصوص بافت کالبدی آنها، منشأ و بستر ناپایداری در شهرها می گردد. از جمله عوامل مهمی که در گسترش بی رویه و ناموزون شهرهای کشور نقش قابل توجهی داشته، مهاجرت های روستا- شهری است. این مهاجرتها که عمدتاً از نابرابری امکانات و درآمد بین مناطق شهری و روستایی سرچشمه می گیرد و عامل بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، زیست محیطی و مکانی فضایی در شهرهاست که نتیجتاً مدیریت شهری را دچار معضلات عدیده ای در ساماندهی مناطق مختلف شهری نموده است.

انتخاب مناطق خارج از محدوده شهری توسط مهاجرین که به دلیل فقدان امکانات مالی کافی به دنبال زمین و مسکن ارزان قیمت می باشند. غالباً تعیین کننده گسترش سمت و سوی شهر به صورت بی قاعده و نامنظم می باشد. این مهاجرین که ابتدا بدون داشتن امکانات و خدمات راضی به اسکان اولیه در این مناطق فاقد امکانات می شوند. پس از مدتی به عنوان یک شهروند طالب امکاناتی نظیر سایر نقاط داخل محدوده شهر می شوند. و با الحاق این نقاط به محدوده قانونی شهر ضرورت خدمات رسانی به آنها بیش از هر وقت مطرح میگردد. ولی به دلیل گسترش فیزیکی شهر هزینه های سنگینی را بر دوش واحد های خدمات رسانی تحمیل می نماید. شهر سنندج به عنوان یکی از شهر های مهم استان کردستان با مساحتی در حدود ۳۶ کیلومتر مربع و جمعیتی برابر با ۳۲۰۰۰ نفر (در سال ۱۳۸۰) از نظر جمعیتی، نسبت به سال ۱۳۳۵ که ۹۵۰۰۰ نفر بوده (۳/۲) برابر شده و از نظر کالبدی رشد زیادی پیدا کرده است.

این شهر از لحاظ وسعت در بین ۸ شهرستان استان کردستان مقام ششم و از نظر جمعیت مقام اول را دارا می باشد. توسعه شهری سنندج در ۲۰ سال اخیر ناشی از دو پدیده اصلی: مهاجرت و رشد طبیعی جمعیت شهری بوده است که باعث توسعه شدید فیزیکی شهر شده است.

مبانی نظری مهاجرت وحاشیه نشینی

عوامل موثر در رشد و گسترش شهرها

مهمترین عواملی که به رواج شهر نشینی و پیدایش شهرها انجامیده به فرار زیرند:

- ۱- تحول در حمل و نقل و سرعت مبادلات
- ۲- پیدایش تخصص و تقسیم کار
- ۳- ازدیاد طبیعی جمعیت
- ۴- توسعه و روند افزایشی مهاجرت
- ۵- تمرکز صنعت و تجارت
- ۶- توسعه مراودات اقتصادی
- ۷- بالارفتن سطح درآمد مردم
- ۸- تنوع در مشاغل
- ۹- پیدایش و گسترش وسایل ارتباط جمعی

تعریف مهاجرت :

در بررسی هر پدیده ای اولین مرحله شناخت ذات پدیده و ارائه تعریفی مشخص برای آنست. اگر این عمل به درستی انجام پذیردمی تواند مبنا و رهنمودهای مطمئن جهت طی مراحل بعدی باشد. اهمیت داشتن پدیده مهاجرت در ساختارهای جمعیتی موجب گردیده همواره از طرف نظریه پردازان علوم انسانی مورد توجه قرار گیرد. این متغیر جمعیتی چون زاد و ولد و مرگ و میر به سادگی قابل تعریف نبوده و این امر باعث شده که نظریه پردازان تعاریف متعدد و مختلفی در رابطه با آن بیان دارند. بعضی از آنان جنبه های اقتصادی مهاجرت را بهای بیشتری داده و عده ای نیز تکیه بر جنبه های اجتماعی و روانی این پدیده داشته اند.

اینک به تعاریفی چند از مورد مهاجرت پرداخته می شوند:

جامعه شناسی بنام «منگالام» به اتفاق همکارش در مورد مهاجرت چنین تعریفی را ارائه داده اند: مهاجرت حرکت نسبتا دایمی جمعیت است بنام مهاجر از یک مکان به مکان دیگر، به این صورت که مهاجران بر اساس سلسله مراتبی از ارزشها تصمیم می گیرند و اقدام به حرکت می نمایند.

نتیجه این حرکت تغییراتی در نظام کنش متقابل مهاجران است (لهسپای زاده، ۱۳۶۹، ص ۳۹)

در تعریف مذکور ترک دائمی مورد توجه قرار می گیرد و واضح است که رفت و آمدهای موقتی و روزانه و حرکت ملوانان و جهانگردان مهاجرت نامیده نمی شود. همچنین تصمیم گیری بر پایه سلسله مراتبی از ارزشها صورت می گیرد. پس مهاجرت یک تصادف نیست.

مهاجرت را می توان به صورت دائم یا موقت در محل زندگی تعریف کرد.

فرآیند مهاجرت شامل یک گروه یا فرد است که محل جغرافیایی زندگی خود را ترک گفته و به محل دیگر تغییر مکان می دهد، این عمل جریان مهاجرت را نشان می دهد. جریانی که تقریبا دارای پنج مفهوم اساسی مکانی است و به وسیله نیستون و پایا جور جیو روشن گردیده است. این مفاهیم پنج گانه عبارتند از:

- ۱- نقاط یا مکانها ۲- مسافت یا فاصله ۳- جهت ۴- پیوستگی یا ارتباط ۵- مدت، زمان

سه مفهوم نخست به عنوان شرط لازم و کافی برای بیان و توضیح انواع حرکات محدود مکانی قبول عام یافته است. یک فرد معمولاً هنگامی به عنوان مهاجر شناخته می شود که از یک نقطه به نقطه دیگر که با مسافت یا فاصله ای از هم جدا شده اندولی بوسیله نوعی شبکه ارتباطی یا مواصلاتی که با یکدیگر در ارتباطند، تغییر مکان دهد. مهاجرت پدیده ای است سازنده که از پویایی جامعه حکایت دارد. اما مهاجرت بی رویه نتیجه اجرای سیاستهای ناهماهنگ و غلط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیکی و غیره است که موجب تخریب و انهدام بخشهای مختلف یک کشور می گردد (فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، زمستان ۱۳۶۶، ص ۳۷)

بر اثر مهاجرت بی رویه ناحیه مهاجر فرست با کمبود نیروی کار بویژه نیروی جوان و پویا و سازنده روبرو خواهد شد و در نتیجه آن ناحیه دچار رکود و عقب ماندگی خواهد گردید. ناحیه مهاجر پذیر بر اثر ورود بیش از حد مهاجرین و عدم برنامه ریزی درست و هماهنگ در استفاده صحیح از این نیروها با افزایش بیش از حد جمعیت و مسائل ناشی از آن از قبیل بیکاری، فقر، زراغه نشینی، اعتیاد، مشکلات روانی و بالاخص مسائل و مشکلات سیاسی روبرو خواهد شد.

شهرهای کشور های در حال توسعه و مهاجرت وحاشیه نشینی

قرن بیستم رادریک سیاره روستایی آغاز کرده ایم. در این آغاز از هر ۵ نفر ۴ نفر در حوزة های روستایی زندگی می کردند. اما در پایان قرن بیستم، با این افزایش بی امان جمعیت شهری، سیاره زمین به یک سیاره شهری تغییر نقش می دهد و در یک نقشه جغرافیایی، متروپلیتن ها، بیشتر نواحی جهان رامی پوشانند. در این میان شرایط اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی شهرهای ممالک در حال توسعه به سرعت دگرگون می شود و توده های روستایی، شتاب زده از نواحی جغرافیایی رها می گردند و به شهرهای بزرگ مهاجرت می کنند. امروزه بین ۲۰ تا ۵۰٪ جمعیت شهرهای ممالک در حال توسعه در مناطق حاشیه نشین و زراغه نشین زندگی می کنند. در یکی دودهمه آینده این نسبت باز هم به نفع حاشیه نشینان تغییر جهت می دهد. بدینسان که در اواخر این قرن، صدها میلیون بی خانمان، حاشیه نشین و بیگانه با فرهنگ شهری، شهرها را به اردوگاه فقیران تبدیل می کنند و هم اکنون جهان مادر نیمه راه این فاجعه قرار دارد. این تنها یک شهر ویا یک کشور دنیا نیست که به مشکلات ناشی از کمبود مسکن و حاشیه نشینی گرفتار آمده باشد. بلکه در همه شهرهای پر جمعیت کمبود مسکن و توسعه حاشیه نشینی با شدت وضعف ادامه دارد. در جهان سوم، انقلاب دموگرافیک مهاجرین روستایی را به شهرهای پر جمعیت می کشاند در همان حال شهرهای کم جمعیت به کندی بزرگ می شوند و یا جمعیت خود را از دست می دهند.

در این جریان، حوزة های روستایی از جمعیت خالی می شوند ولی شهرهای بزرگ هر چند سال جمعیت خود را به دو برابر می رسانند. مهاجرتهای روستایی و توسعه حاشیه نشینی نتیجه نوسانات آب و هوایی، خشک شدن چشمه ها و چراگاهها، شرایط خاص ناحیه ای، سختی معیشت در روستا، افزایش جمعیت روستایی، ورود تکنولوژی به روستا، عدم تعادل در عرضه خدمات اجتماعی و رفاهی میان

شهر و روستا، تمرکز امکانات شغلی در قطبهای شهری، جاذبه های شهرهای بزرگ و بالاخره درآمد بیشتر در شهرها ست.

حاشیه نشین کیست؟

حاشیه نشین، به مفهوم کلی، به کسی گفته می شود که در شهر سکونت دارد ولی به علل گوناگون نتوانسته است جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر شود و از خدمات شهری استفاده کند. برخی از کارشناسان امور شهری، قرار گرفتن محل سکونت فرد را در حاشیه شهر، معیار تعریف حاشیه نشینی در نظر می گیرند. گرچه بیشتر حاشیه نشینان در حاشیه شهرها زندگی می کنند، اما بسیاری افراد ای که در داخل محدوده شهری زندگی می کنند، ولی جزو حاشیه نشینان به حساب می آیند. برعکس کسانی هم هستند که در حاشیه شهرها زندگی می کنند، اما حاشیه نشین نیستند. بنابراین تعریف سومی از این دو می توان بدست داد و آن اینکه حاشیه نشین فردی است که در حاشیه شهر زندگی می کند و جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر نشده است.

تعریف و مفهوم حاشیه نشینی:

حاشیه نشینی به نوعی شیوه زندگی اطلاق می شود که نسبت به سه شیوه رایج زندگی، یعنی زندگی شهری، روستایی و ایلاتی متفاوت بوده و با ویژگیهای اجتماعی و اقتصادی خاص بافت فیزیکی معینی را به وجود می آورد. به نظر بعضی از محققین حاشیه نشینی عبارت است از وضع زندگی تمام کسانی که در جامعه شهری ساکن اند ولی از نظر درآمد، بهره گیری از امکانات و خدمات در شرایط نامطلوبی به سر می برند. در واقع کلیه کسانی که از حالت تولیدی گذشته خود بیرون آمده و به صورت مازاد نیروی انسانی در حاشیه شهرها سکنی می گزینند حاشیه نشین محسوب می شوند.

اصطلاح حاشیه نشین بر فرایند تاریخی دلالت دارد که که شکلهایی از تأمین مسکن و اسکان گروههای کم درآمد را از قبیل زاغه یا آلونک نشینی پراکنده به مثابه فقر مطلق، تصرف عدوانی اراضی به صورت سازمان یافته در قالب جنبشهای اجتماعی تا جنبه سوداگرایانه یافتن این روند به شکل خانه سازی و تفکیک غیر رسمی زمین دربر می گیرد. از همین رو اصطلاح حاشیه نشین مفهومی زمان دار است و اکنون به عنوان مرحله ای گذرا از روند تأمین مسکن گروههای کم درآمد شهری شناخته می شود (اطهاری، رفیعی و دیگران، ۱۳۷۴ ب الف)

از لحاظ مکانی زاغه ها می توانند در همه نقاط شهر پراکنده شوند در حالی که حاشیه نشینی عمدتاً در زمینهای حاشیه شهر که زمانی فاقد نظارت قانونی بوده اند شکل می گیرد. از نظر ریشه جمعیتی، در ترکیب جمعیت حاشیه نشین سهم مهاجران روستایی بسیار زیاد است. (به نقل از شکویی ۱۳۵۵)

اگر ملاک حاشیه نشینی را مسکن غیر متعارف بدانیم، باید طبقه بندی مشخصی از نظر مصالح، تعداد اتاق و تأسیسات برای واحدهای مسکونی داشته باشیم به این ترتیب وارد بحث سرانه ها می شویم که بر اساس شرایط فرهنگی، اقلیمی و اجتماعی - اقتصادی، از منطقه ای به منطقه دیگر متفاوت خواهد بود. چنانچه میزان

درآمد وبعد خانوار را معيار قرار دهيم، با آمارهاي متفاوتي مواجه خواهيم شد اگر موضوع قانوني بودن مجاز بودن تصرف را مرجع قضاوت خود بدانيم، با مشكلات ديگري مواجه مي شويم، زيرا در داخل محدوده شهرها نيز تخلفات زيادي در ساخت و ساز صورت مي گيرد همچنين در مواردی از حاشیه نشینی پرداخت اجاره دیده می شود و اگر سکونتگاههای غیر استاندارد را معيار قرار دهيم ابعاد پديده بسيار وسيع مي شود و تمام واحدهايي که فاقد حمام، آشپزخانه يا انباري باشد حاشيه اي محسوب مي شود. علاوه بر اين در مواردی واحدهای کم دوام مثل آلونک، چادرو... دیده نمی شود و واحدهای با دوام تری احداث می گردد. اما این به معنی از بین رفتن پدیده پیش گفته نیست زیرا بافت، بافت حاشیه ای است.

چارلز کارشناس معروف مسکن از مفهوم زاغه ها و مناطق زاغه نشین تعبیری به این شرح ارائه می دهد: «ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسائی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل دیده شود می تواند به عنوان زاغه و یا منطقه زاغه نشین معرفی گردد». بنابر این تعریف می توان محله های فاقد تجهیزات شهری (آب، برق، مدرسه، درمانگاه، نارسایی وسایل حمل و نقل عمومی) را در ردیف مناطق زاغه نشین طبقه بندی کرد. که این مفهوم در مورد مناطق حاشیه نشین و بخش زاغه های شهری از ویژگی های چندی تبعیت نیز کاملاً صادق است. در سراسر دنیا، مناطق حاشیه نشین و بخش زاغه های شهری از ویژگی های چندی تبعیت می کند و زندگی در آنها تقریباً همانند هم است. در مطالعات شهری می توان ویژگیهای همه زاغه ها و بخش حاشیه نشین را به این شرح بیان نمود:

- ۱- واحدهای مسکونی رو به ویران، فرسوده با تجهیزات ناقص
- ۲- تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتارهای اجتماعی مردم
- ۳- فقر اقتصادی مردم
- ۴- گوشه گیری مردم از همه جریانات شهری
- ۵- ایجاد مرزهای پر دوام در اطراف محله و جدایی گزینی مردم از سایر طبقات شهری
- ۶- عدم توجه و بی اعتنایی سازمانهای مسئول به احتیاجات محله (سیاست دولت)

علل حاشیه نشینی:

در اکثر کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکای لاتین، مهاجرین روستایی با حرکتی موجهی، همه اطراف شهرها را مسلط می شوند و به سرعت به بر پا کردن زاغه ها و حلبی آبادها می پردازند این مهاجران روستایی به هنگام ورود به شهرها نمی توانند برای خود جایی در محله های قدیمی، رو به ویران و یا بخش زاغه های شهری پیدا کنند زیرا قبلاً این قبیل محله ها اشغال شده اند پس ناگزیر به اطراف شهرها هجوم می برند. از طرفی در اطراف شهرها زمینهای باطلای و ماندابی، زمینهای بدون استفاده و تپه ای وجود دارد که طبقات شهری از سکونت در آنها همواره گریزان می باشند. از این رو حاشیه شهرها بیش از همه مورد توجه مهاجرین روستایی قرار می گیرد. بعد از اشغال مهاجرین، عده ای از مردم کم درآمد شهری نیز در جستجوی واحد مسکونی ارزان قیمت به منطقه حاشیه نشین پناه می برند.

از نقطه نظر مالکیت خانه‌ها، حاشیه نشینان را می‌توان به سه طبقه تقسیم کرد:

۱- حاشیه نشینانی که مالک خانه محقر خود می‌باشند اما هرگز زمین خانه را نخریده‌اند بلکه آن را متصرف شده‌اند.

۲- حاشیه نشینانی که مالک خانه خود می‌باشند و زمین خانه را به قیمت ارزان و به طور رسمی یا غیر رسمی و تنها با قولنامه از مالک زمین خریداری کرده‌اند.

۳- حاشیه نشینانی که در ابتدای ورود به شهر، اطاقی در بخش حاشیه نشین اجاره می‌کنند و به امید روزی که با تهیه پول خانه، بتوانند قطعه زمین کوچکی را در محل خریداری و یا متصرف شده و در آن خانه‌ای جهت خانواده خود بسازند. این عده بعد از تهیه خانه و یا تنها یک اطاق، خانواده خود را از روستا به شهر می‌آورند.

پی بردن به تمامی علل و جریانهایی که موجب پدید آمدن حاشیه نشینی می‌شود کمی مشکل است پس در ابتدا باید ریشه اصلی حاشیه نشینی را در همان عواملی جستجو کرد که موجبات مهاجرت روستاییان به شهرها را فراهم آورده‌اند. این افراد چون هنگام ورود به شهر جایی برای ماندن نمی‌یابند و حتی محلات قدیمی و رو به ویران و زاغه‌های درون شهری را توسط انبوه مهاجرین قبلی اشغال شده می‌یابند، به ناچار به سوی زمینهای بلااستفاده و ناهنجار اطراف شهرها هجوم می‌آورند همراه با آنان، تعدادی از ساکنین شهر نیز که فقر و مشکلات شهری آنان را از ماندن در شهر باز می‌دارد، واحدهای به اصطلاح مسکونی ارزان قیمت حاشیه شهرها را با درآمد خویش متناسب می‌یابند و به این جمع اضافه می‌شوند، گاه میتوان به گونه‌های دیگری از افراد شهری نیز در بین آنان برخورد کرد.

عوامل بسیاری موجبات مهاجرت به مناطق حاشیه‌ای را فراهم آورده‌اند. این عوامل را می‌توان در روستاها و مشکلات گریبانگیر آنان و همچنین در شهرها و مسائل مربوط به آنها جستجو کرد. در تحقیقی که توسط آقای حسین زاده دلیر پیرامون حاشیه نشینان شهر تبریز به عمل آمده، عللی در مورد مهاجرت این دسته به شهر مطرح شده است. این موارد در مورد علل دافعه مهاجرت روستاییان در سایر نواحی ایران به شهرها نیز صدق می‌کند. این موارد عبارتند از: ۱- وجود مشکلات معیشت در روستاها و نداشتن زمین و آب و عدم درآمد کافی ۲- دسترسی نداشتن به پزشک، دارو و درمان ۳- عدم وجود مراکز دینی و فرهنگی مانند مدرسه و مراکز فنی که همه ساله تعداد بیشماری از جمعیت در سن تحصیل روستاها را روانه شهرهای بزرگ می‌کند، این مساله خود از علل عمده مهاجرت به شمار می‌رود. ۴- ضایعات طبیعی و خشکسالی‌ها ۵- عدم وجود امنیت کافی در بعضی از روستاها، که این نیز از عوامل اساسی در مهاجرت‌های روستایی است. (مشهدیزاده دهاقانی به نقل از حسین زاده دلیر ۱۳۶۱)

مهاجرت‌های روستایی و چاره اندیشی برای آن :

افزایش بی‌امان جمعیت در جهان سوم به نام انقلاب دموگرافیک خوانده می‌شود و هجوم توده‌های انبوه انسانی از حوزه‌های روستایی به مراکز شهری مسیر جامعه‌ها را به سوی انقلاب مسکن لازم می‌شمرد. نتایج حاصل از رشد سریع جمعیت در حوزه‌های روستایی ظهور کم‌کاری و بیکاری در روستاهاست.

دربخش کشاورزی، فرصتهای شغلی به موازات افزایش جمعیت بالا نمی رود. کوشش در راه افزایش تولیدات غذایی از طریق بهبود بخشیدن به روشهای کشاورزی، توسعه زمینهای قابل کشت با اجرای روشهای جدید آبیاری واحیاء خاک هنوز نتوانسته است به نتایج رضایت بخشی دست یابد حتی زمانی که انقلاب سبز و طرحهای بیشمار آبیاری ریشه گرفت امیدها نیز بالا گرفت.

امامتاسفانه باز هم دربخش کشاورزی فرصتهای شغلی در همان سطح پایین خود، قادر نبود جماعات بیشتری بپذیرد و انقلاب سبز نسبت به افزایش گروه سنی آماده به کار تقریباً بی اثر ماند.

از اینرو میلیونها جوان روستایی که به سن کار رسیده بودند با احساس اینکه در جامعه روستایی به صورت نیروی انسانی اضافی وقت تلف می کنند به سوی شهرها سرازیر شدند.

در اغلب کشورهای در حال توسعه، در امر آبیاری، تهیه نیروی برق، تولید کودهای شیمیایی و از همه مهمتر در ایجاد راهها سرمایه گذاری موثری صورت نگرفته است. از اینرو کشورهای در حال توسعه به برنامه ریزی دراز مدت در حوزه های روستایی نیازمندند تا این حوزه ها به توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی برسند. گاهی اوقات نیز در کشورهای در حال توسعه سرمایه گذاری در طرحهای بزرگ طوری عمل می کند که نمی تواند برای نسل فعلی کارزندگی فراهم سازد بلکه نسلهای بعدی می توانند از آن بهره مند شوند. در کشورهای در حال توسعه تنها محلی که امکانات شغلی و محلهای خالی به سرعت فراهم می شود همانا داخل و خارج شهرهای بزرگ است که در نتیجه تمرکز صنایع، رونق بازرگانی و ابعاد گسترده خرده فروشی به هزاران انسان، منابع معیشت تهیه می کند. در اقتصاد شهری امکانات شغلی سریعتر از حوزه های روستایی پا می گیرد و این امر شاید ریشه اصلی بزرگترین مهاجرتهای تاریخ بشر است که ماکنون شاهد آن هستیم. که این مساله به یکی از خصیصه های کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است.

- چاره اندیشی جهت مهاجرتهای روستایی:

موارد زیر می تواند اثرات سوء مهاجرتهای روستایی را تا اندازه ای بر طرف نماید:

- ۱- سرمایه گذاری در توسعه اقتصادی و شکوفایی صنایع روستایی توفقی در مهاجرتهای روستایی بوجود می آورد. افزایش تولیدات غذایی، توزیع صحیح و به موقع مواد غذایی، بوجود آمدن امکانات انبار کردن محصولات، از عواملی است که می تواند به رونق اقتصادی حوزه های روستایی بیانجامد. اما این قبیل طرحها قادر نیستند. بلافاصله و به سرعت در مهاجرتهای روستایی آنها در آینده نزدیک موثر افتند.
- ۲- جهت جلوگیری از مهاجرتهای روستایی به شهرهای بزرگ و پر جمعیت، به شهرکهای جدید حتی به مترو پلین های جدید نیاز فراوان داریم تا مسیرهای مهاجرتی تغییر جهت دهند و در شهرکها و متروپلین های جدید امکانات شغلی برای مهاجران روستایی فراهم آید.
- ۳- شاید بتوان شهرهای ۱۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰ نفری را به عنوان متروپلین های آینده در آورد و به آنها نقشهایی واگذار نمود که جاذب مهاجرین روستایی باشند. که این امر از تراکم روستاییان در یک شهر

ویا مرکز استان جلوگیری می کند. از طرفی توسعه متروپلیتن های جدید نیز از روی طرح و نقشه صورت می گیرد. در اینجا مهاجرین روستایی در مناطق تعیین شده و طبق نقشه سکونت می کنند. اطهاری و رفیعی در پژوهشی تحت عنوان حاشیه نشینی در ایران علل و راه حلها پس از بررسی سکونتگاههای ده شهر (اراک، اصفهان، اهواز، بندرعباس، تبریز، تهران، زاهدان، شیراز، مراغه و مشهد) به این نتیجه رسیدند که عدم توجه به فقیران شهری والگوی مناسب آنان در برنامه ریزی، همچنین عدم توجه به قرار گرفتن برنامه ریزی شهری در چارچوب منطقه ای، از عوامل شکل گیری حاشیه نشینی است. آنان معتقدند که پدیده مورد بحث از مرکز شهرها به پیرامون آنها گسترش می یابد، بدین معنی که در ابتدا رویش آنها به صورت پیوسته یا داخل بافت شهر است اما با گسترش رشد کالبدی فزاینده می شود و بارانش گروه کم درآمد به پیرامون خود، اجتماعات حاشیه نشین را بوجود می آورد. (۱۳۸۴)

اطهاری در مطالعه موضوع عدالت در فضا با معرفی مفاهیم عدالت رابطه ای و عدالت توزیعی، پدیده اسکان غیر رسمی را نتیجه عدم عدالت توزیعی و مشمول استبداد فضا می داند زیرا فضا مانع دست یابی ساکنین به حقوق اجتماعی، اقتصادی، تحصیلات و ... می شود و این امر نافی عدالت در شرایط آغازین است.

شیوه مواجهه با حاشیه نشینی در ایران:

به طور کلی در ایران شیوه مواجهه با حاشیه نشینی به طور عمده، به دو گونه اصلی بوده است. شیوه اول شیوه ندیدن و به حساب نیاموردن پدیده حاشیه نشینی است که در چارچوب کالبدی آن به صورت تخریب عمل می کند. در این شیوه به گفته معاون بانک جهانی چنان قانون و مقرراتی وضع می شود که گویی فقر غیر قانونی است. در حالی که فقر شهری وجود دارد و نباید به امید تحقق آرمان ریشه کنی فقر، کاستن از آلام روزمره میلیونها انسان و ایجاد فضای زیست آنها را نادیده گرفت.

شیوه دیگر پرداختن به حاشیه نشینی در چارچوب طرحهای شهری و عمدتاً به صورت برنامه ریزیهای مسکن و با عمده کردن این بعد از معضل اسکان غیر رسمی، صورت گرفته است.

گرایش دولتهای کشورهای توسعه یافته بعد از روبروشدن با حاشیه نشینی یا بد مسکنی، ساختن مسکن متعارف برای آنها و انتقال ساکنان زاغه ها و حلبی آبادها به ساختمانهای مذکور بود. این فعالیت معمولاً در پی طرحهای بازسازی یا نوسازی محلات شهرها صورت می گرفت و برنامه های ویژه جامعی برای اسکان کم درآمدها وجود نداشت. در عوض با وضع مقررات و انواع محدودیتهای سعی بر آن بود که سدی مقابل مهاجرتها کشیده شود و اگر مهاجران به شهرها نفوذ کردند، امکان اسکان در آنها را نیابند. در ایران ساخته شدن کوی ۱۳ آبان (در گذشته نهم آبان) در دهه ۱۳۴۰ برای جابجایی زاغه نشینان داخل شهر تهران، از این زمره محسوب می شود، در حالی که در همان زمان برنامه ای برای اسکان مهاجران کم درآمد جدید وجود نداشت و به شدت از حضور آنها در محدوده قانونی شهر تهران جلوگیری می گشت.

در برنامه سوم عمرانی (۴۶-۱۳۴۱) که برنامه جامع تری نسبت به دو برنامه پیش از آن بود، کم درآمدها و اسکان غیر رسمی، هدف مشخص برنامه بخش مسکن در فصل خانه های ارزان قیمت گشتند، دستور کار

این هدف گذاری ساختن کوی های مسکونی برای اسکان افراد بی بضاعت و کم درآمد و پاک کردن گودها و زاغه ها بود که کوی ۱۳ آبان درنازی آباد تهران و کویهایی در مشهد حاصل آن شد. برنامه چهارم عمرانی (۵۱-۱۳۴۷): جهت گیری بخش مسکن در مورد کم درآمدها و اسکان غیر رسمی گسترش بیشتری یافت. که اهداف آن عبارت بودند از: تامین موجبات خانه سازی بوسیله صاحبان صنایع برای کارگران و اولویت سرمایه گذاری دولت در امر تهیه خانه های ارزان قیمت جهت طبقات کم درآمد و پاک کردن شهرهای بزرگ از زاغه ها و آلونکها و گودهای مسکونی.

برنامه پنجم عمرانی (۵۶-۱۳۵۲) با تفصیل بیشتری به بخش مسکن کم درآمدها و اسکان غیر رسمی پرداخته است. احداث مجتمع های آپارتمانی ارزان قیمت، تقویت بنیه مالی بانک رهنی، ایجاد واحدهای مسکونی روستایی و شهرهای اقماری و کوی های مسکونی کارگری در نزدیکی شهرهای بزرگ، رویکرد اصلی این برنامه ها نیز مانند بسیاری از کشورهای توسعه یافته، مسکن اجتماعی یا احداث مسکن بوسیله دولت برای اقشار کم درآمد است. بعد از انقلاب تا سال ۱۳۶۸ برنامه توسعه مصوبی وجود نداشت. اما قوانین و نهادهای ویژه ای که در بخش مسکن ایجاد شده عملکرد متفاوتی به آن بخشید که مهمترین نهاد قانونی موثر در این تغییر سازمان زمین شهری بود. با توجه به واگذاری زمین به ارگانها و نهادهای دولتی و تعاونی توسط سازمان زمین شهری با توجه به اینکه کم درآمدها نمی توانستند در تعاونیها متشکل شوند و از نظام بانکی امکان گرفتن وام داشتند عملاً از برنامه های مسکن دولت کنار گذاشته شدند و این کنار گذاشتن باعث رشد سکونتگاههای غیر رسمی در دوره ۶۵-۱۳۵۵ در پیرامون شهرهای بزرگ شد.

در برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی ایران ۷۲-۱۳۶۸ در بخش مسکن برنامه های کمی درباره کم درآمدها و اسکان غیر رسمی وجود نداشت. در بخش سیاستهای کلی اولویت دادن به تامین مسکن برای اقشار محروم و روستاییان کشور عنوان شد. در برنامه دوم توسعه ۷۸-۱۳۷۴ سعی بر آن بوده که ضعفهای بخش مسکن در برنامه اول برطرف شود. نشانه های عمومی این کوشش تکمیل نظام کمکهای اعتباری قایل شدن وام و کمک به احداث شهرهای جدید و آماده سازی بود که البته تبعیت از الگوی مصرف برای کاهش سطح متوسط زیربنای واحدهای مسکونی شرط آنها قرار گرفت. در این برنامه تصحیح و تعادل بخش بازار مسکن از طریق مسکن حمایت شده (برای میان درآمدها) و جبران شکستهای بازار مسکن از طریق «مسکن اجتماعی» برای تامین مسکن کم درآمدها در دستور کار قرار گرفت.

ساختار فضایی - کالبدی شهر سنندج در سالهای ۱۳۵۷ تا کنون

در سالهای ۱۳۵۷ به بعد و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی تغییرات عمده ای در روند شهرنشینی و شهرگرایی در کشور به وقوع پیوست به طوری که از یک طرف شهر با دگرگونی مفاهیم و عملکردها مواجه گردید و از طرف دیگر با بی برنامهگی و برچیدن محدودیتهای این دو موضوع به همراه شروع جنگ عراق علیه ایران و درگیری های منطقه ای باعث گردید که مهاجرتهای بی رویه ای از مناطق روستایی و شهرهای اطراف روانه شهر سنندج گردد تا جایگاه شهر سنندج در این دوره با بیشترین رشد کالبدی

خودمواجه گردید. این هجوم ناگهانی روستاییان به شهر موجب رشد قارچ گونه بافت در جوار روستاهای اطراف شهر و حاشیه خارجی شهر گردید، که ساختار کالبدی و فرم آنها بیشتر تابع عوارض زمین می باشد. این محلات بدون برنامه و با توجه به خاستگاه اولیه مهاجرین روستایی اکثراً در ارتفاعات پیرامون شهر ایجاد شدند. ارتفاعات و عوارضی که می توانست به عنوان چشم اندازهای طبیعی شهر با اندکی ساماندهی مورد استفاده قرار گیرد، تحت ساخت و ساز مهاجرین روستایی قرار گرفته و مهاجرین نیز که از طبقات کم درآمد منطقه بودند، در ساخت و سازهای انجام شده الگوی معماری خاصی رارعايت ننموده و سیمای ناپهنجاری را به وجود آورده اند این بافتها هیچگونه هویت ویژه ای ندارند و فاقد هرگونه تاسیسات و تجهیزات و خدمات شهری می باشند. از لحاظ بافت کالبدی نیز به تبعیت از شیب طبیعی زمین، معابر به صورتی شعاعی و در امتداد شیب دامنه ها شکل گرفته است. نوع بافت محلات شکل گرفته ریزدانه، بصورت یک طبقه و تفکیکهای بسیار کوچک اند، که با استفاده از وضع توپوگرافی، نورگیری آنها تامین شده است. بدین ترتیب سیل جمعیت مهاجر روستایی و متعاقباً رشد طبیعی جمعیت شهر باعث گردید که قسمت اعظم ساخت و سازهای شهر خارج از محدوده های تعیین شده طرح جامع شهر انجام گیرد و توسعه کالبدی شهر مطابق پیش بینی های طرح جامع شهر عینیت نیابد.

جمعیت شهر سنندج بعد از سرشماری ۱۳۳۵-۱۳۷۵

جمعیت شهر سنندج در سال ۱۳۳۵ برابر ۴۰۶۴۱ نفر بوده است که با ۷۹۰۰ خانوار بعد از خانوار آن برابر ۵/۱۴ نفر بوده است و نرخ رشدی معادل ۲/۱ درصد را داشته است. که این نرخ رشد در مقایسه با نرخ رشد مراکز استانها در نقاط دیگر کشور نرخ رشد پایینی است. اگر مبنای جمعیت ۲۵ هزار نفری سنندج در سال ۱۳۱۱ را معتبر بدانیم تا سال ۱۳۳۵ رشدی برابر ۴/۹۷ درصد داشته است. جمعیت شهر سنندج در سال ۱۳۴۵ بالغ بر ۵۴۵۷۸ نفر شده است که با ۱۰۶۱۵ خانوار بعد از خانوار آن ۵/۱۴ نفر بوده است نرخ رشد جمعیت شهر سنندج در دهه ۱۳۳۵-۱۳۴۵ برابر با ۲/۹۹ درصد بوده است که این نرخ رشد زیاد را میتوان معلول انتخاب شهر سنندج به عنوان مرکز استان، هجوم ادارات و ساختمانهای اداری جدید و همچنین فراهم شدن امکانات اشتغال بخصوص در ارزیابی خدمات محسوب کرد. این رشد افزایش جمعیت تا سال ۱۳۵۵ ادامه داشته و جمعیت شهر به ۹۵۸۷۲ نفر رسید که نرخ رشدی معادل ۵/۸ درصد را دارا بوده است که نسبت به دوره قبلی حدود ۲/۸ درصد افزایش نشان می دهد دلایل این رشد شتابان را باید در تمرکز امکانات در مرکزیت سیاسی استان، اجرای اصلاحات ارضی، تثبیت نظام شهر نشینی استان، اجرای پروژه های عمرانی و غیره دانست. جمعیت شهر سنندج در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ معادل ۲۰۴۳۸۴ نفر با ۴۰۵۱۹ خانوار برآورد گردیده است که بعد از خانوار آن ۵/۰۴ نفر بوده است. دهه ۶۵-۵۵ را میتوان دهه ای نامید که رشد جمعیت شهر سنندج به بالاترین درجه خود میرسد چرا که نرخ رشد این دوره به ۷/۸۷ درصد رسیده و افزایشی در حدود ۲/۰۶ درصد را نشان میدهد مهمترین عوامل موثر در این نرخ رشد شدید جمعیتی را میتوان هجوم بی رویه جمعیت روستایی و افزایش نرخ رشد طبیعی جمعیت به سبب عواملی چون افزایش شدید درآمدهای نفتی، افزایش اعتبارات

عمرانی شهر، افزایش جاذبه های شهری، بهبود وضعیت اقتصادی جامعه، انقلاب سال ۱۳۵۷ و جنگ تحمیلی، سیر افزایش مهاجران مناطق جنگ زده مانند بانه و مریوان به این شهر به حساب آورد.

ویژگیهای مهاجرتی:

ویژگی های خاص مهاجرت استان کردستان، مهاجرت درونی استان است. بدین صورت که مهاجر روستایی کرد به عللی که ناشی از ساختار فرهنگی و اجتماعی کردستان است ترجیح می دهد که شهرهای کردنشین ساکن شود. اگرچه جنگهای داخلی و جنگ ایران و عراق در سالهای اولیه انقلاب در تسریع مهاجرت روستاییان به شهرها نقش اساسی داشته است اما به نظر می رسد که علل اصلی مهاجرت همچنان علل اقتصادی بوده است. چنانکه در سالهای پس از جنگ که آرامش در منطقه به طور کامل حکمفرما شده اکثریت مطلق روستاییان مهاجر به روستاهای خود بازنگشته اند.

- قومیت، منشاء قشر بندی و ساختار اجتماعی سکونتگاههای نابسامان شهرسندج همانگونه که در بحث قبلی اشاره شد، در جامعه امروز کردستان ساختارهای گذشته ایلی و طایفه ای هم از نظر اقتصادی و هم از نظر اجتماعی به کلی متحول شده و از میان رفته است. بسیاری از روستاییان و عشایر گذشته، هم اکنون به شهرها مهاجرت کرده اند و در سکونتگاههایی که غالباً نابسامان و فاقد امکانات کافی است، در حاشیه شهرها استقرار یافته اند. برای شناسایی منشاء قشر بندی و ساختار اجتماعی این افراد از دوروش استفاده شده است. اول روش میدانی با استفاده از تکنیک های رایج تحقیقی (پرسشنامه، مصاحبه و ...) دوم روش مراجعه به جداول آماری مرکز ایران در سال ۱۳۷۵ در سطح حوزه های شهری، و تبدیل این حوزه ها به محله های شناسایی شده حاشیه شهرسندج، در این بررسی ابتدا خصوصیات و ویژگیهای مشترک مجموعه سکونتگاههای اطراف شهرسندج به عنوان یک کل واحد، ارزیابی و تجزیه و تحلیل شده است. سپس هر یک از محلات جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. بیشتر سرپرستان خانوارهای حاشیه شهرسندج، محل تولد خود در اوستا معرفی کرده اند. بنابراین اکثریت مطلق این افراد را مهاجرین روستایی تشکیل می دهند. نکته حائز اهمیت اینکه فقط حدود ۱ درصد از این افراد در شهرهای خارج از استان به دنیا آمده اند و بجا این افراد نیز از دیگر شهرهای کردنشینی که جزء استان کردستان نیستند به سندج مهاجرت کرده باشند. لذا ۹۹ درصد سکنه نواحی حاشیه ای سندج کردهستند. این مطلب موید آنست که جهت مهاجرت در استان کردستان همانگونه که در بخش اول این گزارش ذکر شده به طور عمده درون استانی است که ریشه در مسائل و ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی کردستان دارد. در واقع به دلایل تاریخی آمیزش بین کردها و دیگر اقوام و ملت‌های موجود در سرزمین ایران، بسیار بطئی و کند صورت گرفته است. و می توان گفت که از نظر اجتماعی فرایند ادغام و چسپندگی کامل با جامعه ملی و بازار و اقتصاد ملی جریانی در حال تحقق است.

تأثیرات سکونت مهاجرین روستایی در شهرسندج و روند تحول آن

همانطور که اشاره شد مهاجرت، تأثیرات گسترده و عمیقی هم در مبدأ و هم در مقصد مهاجرت می گذارد. از این لحاظ مهاجرت‌های وسیع روستاییان به شهرسندج و سکونت در حواشی این شهر به لحاظ ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مهاجران تأثیرات خاصی بر جای گذاشته است.

الف: پیامدهای مکانی ناشی از استقرار مهاجرین در شهر؛ مهمترین و بدیهی ترین تأثیر سکونت مهاجران روستایی گسترش ناموزون، سریع و کنترل نشده شهر به اطراف و تغییر کار بری زمینها از کشاورزی به مسکونی است. در واقع ساخت و سازهای بدون ضابطه و ناهماهنگ بدون رعایت سیاستهای توسعه شهری نابودی اراضی زراعی و از بین رفتن چشم اندازهای اطراف شهر را به دنبال داشته است. به علاوه به علت رعایت ننمودن ضوابط شهرسازی در خانه سازی مهاجرین، اتلاف زمین در این مناطق زیاد بوده و استفاده مطلوب و بهینه از زمینها صورت نگرفته است.

توسعه افقی و بی رویه شهر نیز از دیگر پیامدهای مکانی سکونت مهاجرین در شهر است و اشغال سریع زمینها و عدم استفاده بهینه از اراضی روند گسترش کالبدی شهر را تشدید کرده است و به همین لحاظ گسترده شدن شهر خدمات رسانی را با مشکل مواجه نموده است و هزینه های تامین امکانات را افزایش داده است. استفاده بیش از حد ظرفیت از تاسیسات و امکانات شهری فشار زیادی بر آنها وارد نموده و استهلاک بیش از موقع آنها را در بردارد.

رواج حاشیه نشینی نیز از جمله تأثیرات مکانی مهاجرت به شهر محسوب گردیده به گونه ای که حاشیه ها به دلیل بافت ویژه اقتصادی - اجتماعی ساکنانش و نداشتن خدمات شهری مناسب غالباً دارای معضلات زیادی هستند. از جمله میزان بزه کاریها در این حاشیه ها نسبت به سایر مناطق شهر بالاتر است.

نوع و پراکنش فعالیت‌های اقتصادی

بر اساس آخرین مطالعات انجام شده مساحت کل محدوده سکونتگاههای نابسامان شهرسندج ۴۵۳/۳ هکتار است و این میزان ۱۲/۷ درصد از کل مساحت مصوب شهرسندج را شامل می شود. اما جمعیتی که در این محدوده ساکن می باشد در حدود ۱۷۶ هزار بر آورده گردیده است که این میزان بیش از ۵۵ درصد از کل جمعیت شهر را شامل می شود. به عبارت دقیقتر بیش از نیمی از جمعیت شهرسندج تنها در یک - هفتم مساحت شهر ساکن شده اند. تراکم جمعیتی در محدوده مورد بررسی حدود ۳۸۸ نفر در هکتار است و این در حالی است که تراکم جمعیت در کل شهرسندج در حدود ۹۰ نفر در هکتار محاسبه شده است. (ماخذ: شهرداری سندج) به عبارت دیگر تراکم جمعیت در محدوده سکونتگاههای نابسامان بسیار بالاتر از سایر قسمت‌های شهر است. اما این تراکم جمعیتی بالا متناسب با ظرفیتهای فیزیکی این محدوده نمی باشد. مطالعات انجام شده بیانگر این است که در این محدوده تراکم ساختمانی بسیار پایین، سطح اشغال بنا نسبتاً بالاتر از ۸۰ درصد متوسط تعداد طبقات در حد ۱-۱ طبقه می باشد. از طرف دیگر سهم کاربریهای مسکونی در منطقه بسیار پایین است. بدین جهت جمعیت اسکان یافته شده در این محدوده بسیار فراتر از توانهای فیزیکی آن است. با توجه به جمیع شرایط فوق، محدوده مورد بررسی به لحاظ

عملکردی تنها یک منطقه مسکونی است که حتی حداقل امکانات خدماتی را برای ساکنان خودتدارک ندیده است. بنابراین محدوده سکونتگاههای شهرسندج منطقه ای است صرفاً مسکونی و کاربریهای مربوط به فعالیتهای اقتصادی در آن به ندرت شکل گرفته است. تنها فعالیتهای اقتصادی قابل توجه در سطح منطقه موردبررسی کاربریهای تجاری می باشند که در بافت محله ها و زیرمحله ها شکل گرفته اند و نیازهای اولیه ساکنین را به شکل بسیار محدود برطرف می نماید.

الگوی کالبدی و ساخت مسکن

همانطور که در مباحث قبل اشاره شد محدوده مناطق حاشیه ای شهرسندج به طور عمده طی دهه ۱۳۵۵-۱۳۶۵ شکل گرفته است. ساکنین این محدوده به طور عمده مهاجرین روستایی اطراف شهرسندج بوده اند که در اثر عواملی از جمله جنگ تحمیلی و اصلاحات ارضی و... به سرعت به شهر مهاجرت نموده و به علت ضعف بنیه مالی و شرایط اقتصادی نتوانسته اند مسکن مناسبی در شهرسندج به دست آورند. در نتیجه به حاشیه شهر رانده شده و بناها و ساختمان های بسیار محروم بر اساس الگو و سبک ساختمان سازی روستایی احداث نموده اند که این ساختمان ها با نازلترین کیفیت مصالح به کار گرفته شده از کمترین امکانات و تاسیسات و تجهیزات و تسهیلات ساختمانی جهت ایجاد سرپناهی بنا شده اند. مشخصات عمومی این ساختمان ها به شرح زیر است:

- اغلب ساختمان های مسکونی از مصالح نامناسب و کم دوامی مثل گل و خشت و چوب و یا ترکیبی از آنها ساخته شده است.
- سطح اشغال بنا بسیار بالاتر از حد عرف است و به تبع آن سطح فضای باز ساختمانها بسیار اندک و دربرخی از موارد فاقد هرگونه فضای بازمی باشد.
- اندازه قطعات مسکونی بسیار کوچک و خارج از حد قابل قبول است.
- ابعاد قطعات مسکونی نامنظم و از هیچ گونه الگوی هندسی خاصی تبعیت نمی کند.
- اغلب قریب به اتفاق ساختمان ها در یک طبقه احداث شده اند.
- بافت های مسکونی بسیار فشرده و نامنظم بوده و در برخی از آنها شبکه دسترسی آنقدر کم عرض و نامناسب است که دسترسی سواره به آنها غیر ممکن است.
- اغلب ساختمان های مسکونی به لحاظ عمران بنا تخریبی کامل هستند.
- بسیاری از منازل مسکونی فاقد امکانات و تسهیلات از جمله حمام، آشپزخانه و حتی اتاق می باشند.
- اغلب ساختمان ها به لحاظ حقوقی و مالکیتی با مشکل مواجه بوده و فاقد سند می باشند.
- اغلب ساختمان ها به صورت قولنامه ای و بر اساس عرف خرید و فروش می شوند.
- اغلب ساختمان های احداث شده فاقد مجوز ساخت از شهرداری می باشد.
- در ساخت بناها از نیروی متخصص مثل مهندس، مهندس معمار و یا مهندس ناظر استفاده نمی شود و مالکین خود بر اساس سنت ساخت و ساز روستایی ساختمان مسکونی خود را خودشان احداث می کنند.

- اغلب منازل مسکونی به لحاظ دسترسی به خدمات شهری با مشکل جدی مواجه هستند.
- بسیاری از منازل مسکونی به هنگام بارندگی دچار آب گرفتگی می شوند.
- سقف بسیاری از خانه ها از چوب و کاهگل پوشیده شده و به هنگام بارندگی آب از آنها به داخل خانه ها جاری می گردد.
- بسیاری از مساکن نوساز از نظر شکل ظاهری و کیفیت ساخت بسیار نامناسب هستند.
- اغلب بناها فاقد نماچینی هستند.
- سرانه مسکونی محدوده مورد مطالعه بسیار پایین و تراکم جمعیتی در این نواحی بسیار بالاست.
- تراکم خانوار و نفر در واحد مسکونی این محدوده بسیار بالاتر از حد متعارف است.

برخی از ویژگیهای مشترک محلات حاشیه ای شهر سنندج عبارتند از:

- ۱- اکثر مهاجران از داخل استان به این محلات مهاجرت کرده بویژه این مهاجرتها از روستاهای اطراف سنندج بوده است (حدود ۴۵ درصد) همچنین حدود ۸۹ درصد از سرپرستان خانوار های حاشیه ای شهر سنندج محل تولد خود را روستا معرفی کرده اند.
- ۲- اکثر مهاجرین روستایی به محلات حاشیه ای از فشار کم درآمد بوده که با ابتدایی ترین مصالح شیوه ساخت مساکن روستایی با بافت ارگانیک را تقلید کرده اند.
- ۳- بیشتر زمین محلات که مورد استفاده مسکونی قرار گرفته دارای توپوگرافی نامناسب بوده و بطور کلی شیب زیاد با بافت ارگانیک و دارای کوچه های پرپیچ و خم و باریک است و اغلب دسترسی سواره به آنها مقدور نیست و یا به سختی صورت می گیرد و فشردگی بافت و مساحت کم قطعات با سطح اشغال بنای بالا از ویژگی های بارز این محلات است.

ساختار فضایی محلات حاشیه نشین:

به نرمی رسد که در مناطق حاشیه ای انگیزه های اجتماعی اقتصادی قوی تری برای ایجاد تجمع های همبسته کالبدی در قالب محلات وجود داشته باشد. محلات حاشیه ای به لحاظ اجتماعی، اقتصادی مسئله دار هستند و از منزلت پایین تری نسبت به سایر مناطق شهر برخوردار هستند. این ویژگی به طور جدی ساختار فضایی و نظام کالبدی آنها را متاثر نموده و سبب شکل گیری بافت های فرسوده و مساله دار همراه با نظام شبکه بندی نامنظم، پایین بودن منزلت شهری، ارزان بودن قیمت زمین و اجاره بها، کوچک بودن قطعات و تراکم بالای جمعیتی و ساختمانی، بالا بودن سطح اشغال، پایین بودن متوسط تعداد طبقات، استفاده از مصالح ساختمانی کم دوام و... شده است که مجموعه ویژه گی های فوق از مهمترین ویژگیهای ساختار کالبدی- فضایی حاکم بر محلات حاشیه ای شهر سنندج می باشد. بافت حاشیه ای شهر سنندج متشکل از ۱۳ محله است که به طور عمده دامنه ارتفاعات و تپه های شمال، شمال شرقی و شرق را تصرف کرده اند این محلات شامل: عباس آباد، حاجی آباد، تپه شیخ محمد صادق، غفور، گردی گرول، اسلام آباد، کمربندی ۱۷ شهر یور، تققان، شهدا، گلشن، پیر محمد و بهار مست، فرجه و محله حاجی نسه می باشد.

جدول شماره: ۱ برخی از شاخصهای شناخت محلات حاشیه ای شهر سنندج

توضیحات	شاخصهای حاشیه نشینی
	تراکم جمعیتی
این شاخص در بافتهای حاشیهای بالاتر از کل شهر می باشد.	
	تراکم ساختمانی
تراکم ساختمانی در بافتهای حاشیه ای در حد بسیار پایین اما تراکم خالص مسکونی بالاست	
این شاخص حدود 1/27 خانوار می باشد که در بعضی محله ها مثل تپه شیخ صادق، گردی گرو، اسلام آباد و شهدا به 1/34 خانوار در واحد مسکونی می رسد.	تراکم خانوار در واحد مسکونی
متوسط تراکم نفر در واحد مسکونی در محلات حاشیه ای 6/15 نفر می باشد که این مقدار در محله های گردی گرو، کمر بندی 17 شهریور و اسلام آباد به بیش از 6/42 افزایش می یابد.	تراکم نفر در واحد مسکونی
تراکم نفر در اتاق در کل محدوده 2/1 که این مقدار در محله های گردی گرو، کمر بندی 17 شهریور، عباس آباد و تقنقان این مقدار به بیش از 2/3 نفر میرسد.	تراکم نفر در اتاق
سرانه مسکونی بافتهای حاشیه ای 12/7 متر مربع که در مقایسه با نرم کشوری (40-50 متر مربع) بسیار کم است.	سرانه مسکونی
این کاربری که فضای سکونت حدود 176000 نفر را در مساحتی حدود 223 هکتار شامل میشود که با اختصاص 49/35 درصد از کل سطوح (سطح ناخالص محدوده) بیشترین سطح و سرانه را در میان کاربریها داراست سرانه این کاربری در وضع موجود 12/71 متر مربع است	کاربری مسکونی
سطح اشغال بنا در محدوده بالاتر از 80 درصد و متوسط تعداد طبقات 1/1 طبقه می باشد.	سطح اشغال بنا
سرانه این کاربری در سطح پایینی است و بیش از 90 درصد از واحدهای تجاری نیز کمتر از 20 متر مساحت دارند.	سرانه کاربری تجاری
بنا به دلایل مختلف مانند نبود سند مالکیت، کوچک بودن اندازه قطعات، نامنظم بودن الگوی بافت و شبکه، پایین بودن منزلت اجتماعی و... در سطح پایینی قرار دارد در این میان محله های گردی گرو و 17 شهریور دارای پایین ترین ارزش و محله حاجی آباد دارای بالاترین ارزش زمین در میان محله های حاشیه ای است.	ارزش زمین
در بافتهای حاشیه ای، متوسط قیمت یک واحد مسکونی بین 5 تا 15 میلیون تومان می باشد که نسبت به سایر مناطق شهر بسیار پایین است و حدود 8 درصد از ساختمانهای مسکونی کمتر از 5 میلیون تومان ارزش داشته اند این شاخص در محله اسلام آباد نسبت به سایر محله های حاشیهای پایینتر است.	ارزش ساختمان
حدود 34 درصد ساختمانها دارای سند 20 درصد نیز فاقد هرگونه سند می باشند. همچنین حدود 12 درصد از ساختمانها اجارهای بوده و حدود 87 درصد از خانوارهای ساکن مالک شخصی واحد مسکونی خود هستند.	مالکیت زمین
بر حسب اطلاعات رسمی مرکز آمار ایران در ساخت بیش از 69/16 درصد از ابنیه موجود در محدوده سکونتگاههای نا بسامان شهر سنندج از مصالح کم دوام استفاده شده است. متوسط مساحت قطعات مسکونی بسیار پایین بوده و در برخی قسمتهای محدوده به کمتر از 66 متر مربع کاهش می یابد - عمر ساختمانهای مسکونی به طور عمومی بیش از 15 سال و اغلب ساختمانها فاقد پروانه ساختمانی هستند (61 درصد) این میزان در محله فرجه به بالاترین حد (80 درصد) میرسد. 31 درصد ساختمانها نیز فاقد آشپزخانه و 15/9 درصد فاقد سیستم دفع فاضلاب می باشد.	کیفیت ابنیه و مشکلات عمومی ساختمانهای مسکونی

بررسی علل و منشاء حاشیه نشینی در شهر سنندج:

به دنبال اجرای اصلاحات ارضی در سالهای آغازین دهه ۴۰، ساختار اقتصادی اجتماعی شهر سنندج همانند بسیاری دیگر از شهرهای ایران دستخوش تغییرات جدی می شود. خرد شدن اراضی کشاورزی، رواج مصرف گرایی و گسترش سرمایه داری در روستاها، منجر به مهاجرت روستاییان به شهر می شود. به نظر می رسد که اولین نطفه حاشیه نشینی در این سالها در دو محور شمالی و شرقی شهر سنندج به وجود

می آید. در محور شرقی در امتداد جاده سنندج - همدان و انتهای سیروس (انقلاب) کنونی محله بهارمست به صورت سکونتگاهی خودرو متشکل از مهاجرین روستایی واقشار کم درآمد به وجود می آید. در محور شمالی نیز، در ضلع شمال غربی جاده مریوان - سنندج تا انتهای خیابان شهدا بر روی تپه، شماری از مهاجرین روستایی، تعدادی از سکونتگاههای خودرو را می سازند که بر محور آن امروزه محله تفتقان کنونی ایجاد شده است. بنابراین کانون اولیه حاشیه نشینی در سالهای ۱۳۵۵-۱۳۴۵ شکل می یابد و در اواخر این دوره به طور واضح در ساختار کالبدی شهر نمایان می شود.

بیشترین مهاجرت به سمت شهرها در فاصله سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۵ اتفاق می افتد که اوج بحرانهای سیاسی - اجتماعی در ایران و بویژه در کردستان است. بنابراین رویدادهای سیاسی - اجتماعی به عنوان عواملی جهت تسریع روند مهاجرتی که مبتنی بر نظام اقتصادی - اجتماعی نوینی که از دهه ۴۰ به بعد شکل گرفته بود عمل می کند و منجر به هجوم ناگهانی روستاییان به شهرها می شود که موجب رشد قارچ گونه بافتهای خودرودر جوار روستاهای اطراف و حاشیه خارجی آن می شود. جمعیت سنندج در این دوره به بیش از دو برابر می رسد که حجم بسیاری از این جمعیت در سکونتگاههای خودرو و عارضه های گسترده ای همچون محله عباس آباد در امتداد محور شرقی و محله تفتقان در امتداد محور شمالی استقرار می یابد. اطلاعات موجود نشانگر آن است که محلات عباس آباد و کانی کوزله که مهمترین سکونتگاههای نابسامان در شرق سنندج هستند قبل از سال ۱۳۵۵ وجود نداشته است. عکسهای هوایی موجود در سال ۱۳۵۳ شهر سنندج هیچ گونه آثاری را در این محله نشان نمی دهد. در شمال شهر نیز وجود محله های تفتقان، اسلام آباد و گردی گرو به طور عمده در این سالها شکل گرفته است. با شکل گیری و گسترش محلات نابسامان و خودرودر فاصله سالهای ۶۵-۱۳۵۵ برخی از روستاهایی که در اطراف شهر بودند و قبل از این سالها با شهر فاصله داشتند، فاصله آنها بوسیله سکونتگاههای نابسامان و محلات حاشیه ای شرقی و غربی پر شده و عملاً این روستاهان نیز به صورت مأمی برای مهاجران جدید درآمدند و به تدریج به محلات حاشیه ای پیوستند و خود جزئی از آن محلات شدند. در این ارتباط می توان به دوروستای حاجی آباد در غرب و فرجه در شرق سنندج اشاره کرد. با آمدن مهاجران جدید، نسلهای گذشته آنان به تدریج به سمت مرکزی شهر و بافت قدیم حرکت کردند و عملاً بخشهایی از بافت قدیم شهر که به مناطق حاشیه ای می پیوستند، به محل استقرار نسلهای قدیمی تر مهاجرین بدل شدند. در این راستا می توان به محله های شمال شهدا، پیرمحمد، بهارمست و گلشن و چم حاجی نسه اشاره کرد که غالب این محلات جزء بافت قدیم شهر بوده اند و بخشهایی از آن که به محلات حاشیه ای شمالی و شرقی پیوسته اند به صورت سکونتگاههایی با شرایط و امکانات نسبتاً بهتر برای نسل اول مهاجرین درآمدند. علاوه بر محلات فوق در تپه ای موسوم به غفور در مرکز بافت جدید شهر در سالهای اوایل انقلاب گروههایی از مهاجرین اقدام به تصرف زمین های اطراف تپه مذکور کردند و سکونتگاههای خود را به وجود می آوردند که در ابتدا محله زورآباد نامیده شد. این محله به سرعت گسترش یافت و تمامی تپه غفور را دربر گرفت در واقع از سال ۱۳۶۵ به بعد که گسترش مناطق حاشیه ای در شرق و شمال شرق

شهر محدود شد مهاجرین بیشتر به سمت این تپه روی آوردند و در اندک زمانی سراسر تپه را تصرف کردند که هم اکنون به عنوان یکی از عارضه های نابسامان و خودرودر مرکز بافت جدید شهر خودنمایی می کند.

نتیجه گیری، راهبرد و پیشنهادات کلی:

برنامه توسعه میان مدت استان و بالتبع شهر سنندج آینه نیازهای برآورد نشده در طول سالهای گذشته نیست اگرچه برنامه هربخش، در نهایت باید با هدف رفع کاستی ها تنظیم شود. اما این الزام در صورتی به کفایت می رسد که اولادرون زایی برنامه با تکیه بر قابلیت ها از یکسو و توجه به محدودیتها و تنگناها از سوی دیگر تضمین شده باشد و ثانیاً با ظرفیت های اجرائی موجود و قابل تجهیز در سطوح استانی و ملی سازگاری داشته باشد. همچنین چون ساختار درآمد هوزینه کشور متمرکز است و تأیید و تصویب مرکزی هر منبع جدید درآمد الزامی است لذا گستره منابع جدید نمی تواند نامحدود باشد. بعبارتی نمی توان از هر منبعی در استان، به صرف درآمدزایی، درآمد کسب کرد و ظرفیت قابل تجهیز را مجهز نمود، مگر اینکه با چارچوب های قانونی و مقرراتی کشور سازگار باشد.

با توجه به اهمیت موضوع و اهداف مورد نظر و توجه به این نکته که در رفع معضل حاشیه نشینی نیز همواره پیشگیری بهتر از درمان است لذا ابتدا به راهکارهای فرا شهری در حل این معضل پرداخته شده و سپس به حل خود مشکل پرداخته می شود.

این استان به دلیل شرایط توپوگرافی و وضعیت ویژه اقلیمی، یکی از مهمترین قلمروهای تولید آب و آبخیز کشور است. زیربخش عمده ای از پنج حوزه آبریز کشور که شامل حوزه های قزل اوزن، زرینه رود، سیروان، زاب کوچک و کرخه در استان کردستان واقع شده اند. قابل ذکر است که بخش غالب پتانسیل آبهای سطحی استان در نیمه غربی و عمده آبهای زیرزمینی در نیمه شرقی متمرکز است، در واقع استان از پتانسیل آبی نسبتاً خوبی برخوردار است. لذا در این زمینه ایجاد سد و آب بند در مسیر این آبها علاوه بر تاثیرات مثبت اقتصادی و رونق کشاورزی و بالا بردن درآمد برای ساکنان این مناطق می تواند مانند نمونه های موفق استانهای همجوار (کرمانشاه و آذر بایجان غربی) که در این استانها با ایجاد آب بند علاوه بر استفاده از آب برای کشاورزی برای پرورش ماهی نیز مورد استفاده واقع می شود. که این امر می تواند از بیکاری فصلی که یکی از علت های مهم مهاجرت روستاییان در این منطقه می باشد کاسته و مانع از مهاجرت زیاد به شهرهای نسبتاً بزرگ و مراکز جمعیتی (از جمله سنندج) شود.

بخش صنعت استان به نسبت کشور در صد بسیار کمی از اشتغال رابه خود اختصاص داده و در کل این بخش در استان در کل جامعه شهری و روستایی به ترتیب بعد از بخش خدمات و کشاورزی قرار دارد و کمترین سهم اشتغال را شامل می شود لذا این امر مساله بیکاری فصلی را تشدید نموده است و چون اکثر افراد مهاجر و کم درآمد مستعد این نوع بیکاری هستند لذا این امر در مسایل مربوط به مناطق حاشیه ای در ارتباط است.

در بخش خدمات نیز با توجه به بالاترین درصد اشتغال در این بخش در کل جامعه شهری و روستایی و بخصوص در جامعه شهری و تمرکزگرایی این بخش در شهر سنندج که این تمرکز ۹۰-۳۰ درصد

شاخصهای آموزشی، بهداشتی، فرهنگی، تاسیساتی و... را شامل می شود که این امر نیز یکی از دلایل و مشوقهای مهاجرتی به این شهر است که لزوم برنامه ریزی اصولی در سطح استان برای جلوگیری از تمرکز بیشتر خدمات و تعدیل آن در کل استان و شهرها، بخشها و روستاهای پیرامون را ایجاب می کند. با توجه به بررسیهای انجام شده و نتایج حاصل از مطالعات جامع توسعه اجتماعی-اقتصادی، استان کردستان متشکل از سه منطقه آمایشی با خصوصیات متفاوت می باشد و این سه منطقه شامل:

۱- منطقه ای به مرکزیت سنندج و باتراکم جمعیتی بالنسبه بالا که نواحی کامیاران و مریوان را دربرمی گیرد.

۲- منطقه شمالی استان به مرکزیت سقز که نواحی دیواندره و بانه را دربرمی گیرد.

۳- منطقه شرقی بادشتهای بالنسبه گسترده و جمعیت نسبتاً کم که دوناچه قروه و بیجار را دربرمی گیرد که در آینده شهر قروه می تواند مرکزیتی برای این منطقه باشد.

بررسی نتایج نشان می دهد که منطقه یک آمایشی (به مرکزیت سنندج) ۴۸ درصد از جمعیت استان را دربرمی گیرد در حالی که وسعت این منطقه ۲۸/۵ درصد وسعت استان را شامل می شود. عبارتی بیشترین جمعیت مناطق آمایشی سه گانه استان در کمترین وسعت از اراضی استان جای گرفته اند. هر چند توزیع نامتوازن جمعیت در فضای استان تا حدودی به استعداد های بالقوه طبیعی، بویژه آب و به طور کلی شرایط اقلیمی و عوامل درونی مناطق و نواحی مختلف مربوط می شود، اما عوامل ارادی و بیابرونی نیز در تقسیم بندی فوق بی تاثیر نبوده است.

بطوریکه در منطقه یک آمایشی عوامل ارادی از قبیل تجهیز زیر ساختها و تمرکز مراکز خدماتی و شرایط خاص اجتماعی منطقه موجب پیدایش مراکز جمعیتی چون سنندج در منطقه یک و سقز در منطقه دوشده است همچنین توزیع جمعیت شاغل نیز به گونه ای است که تفاوت های معنی داری را بین مناطق آمایشی سه گانه نشان می دهد که چیزی در حدود ۴۷/۲ درصد در منطقه یک آمایشی (بیشترین سهم) قرار دارد و در واقع پراکنش اشتغال تقریباً از الگوی شهرنشینی در استان تبعیت کرده است که این امر نیز ارتباط تنگاتنگ میان امکانات اشتغال و به تبع آن جمعیت پذیری و مهاجرت و در نتیجه آن تاثیر بر رشد و توسعه سریع شهر و مسایل پیشرو از جمله حاشیه نشینی را مشخص می سازد که این نیز خود مویدان واقعیت است که بدون برنامه ریزی کلی و در سطح استان نمی توان به اهداف مورد نظر از جمله جلوگیری و مهار مهاجر فرستی و کنترل و رشد شهر و بهبود وضعیت حاشیه نشینی اقدام نمود.

در زمینه توسعه جامعه شهری استان راهبردهای از جمله:

- تقویت و ارتقاء موقعیت شهر سنندج به منظور ایفای نقش مرکزیت در استان کردستان با عملکردهای مناسب ملی (سطح دو خدماتی- صنعتی کشور) و مهار رشد جمعیت آن از طریق تقویت شهرهای پیرامونی (بویژه کامیاران و دهگلان) و ایجاد شهرهای جدید آقماری.

- تقویت شهر سقز برای ایفای نقش مرکزیتی مناسب در منطقه شمالی استان و تحکیم محور توسعه غرب کشور با گسترش فعالیتهای صنعتی، معدنی و خدماتی.

- تقویت نقش گردشگری شهر مریوان با توجه به جاذبه ها و قابلیت های ناحیه مریوان بویژه طبیعت زیبای دریاچه زریوار.

- تعادل بخشی به پراکنش جمعیت با تقویت شهرهای کوچک و روستا - شهرهای کنونی و ایجاد شهرها و روستا - شهرهای جدید بویژه در نواحی مستعد شرقی و شمالی استان.

- حفظ و ساماندهی جمعیت در نواحی مرزی استان با مکان یابی کانون های مستعد و مناسب ایجاد روستا - شهرهای جدید در این نواحی.

در زمینه توسعه جامعه روستایی استان نیز راهبردهای :

- تجهیز و بهره برداری از منابع در فضاهای روستایی، انتقال تکنولوژی و تنوع بخشی به فعالیتها با گسترش فعالیتهای صنعتی، معدنی و خدماتی در فضاهای روستایی.

- تغییر در الگوی استقرار موجود با تاکید بر تجهیز مراکز برتر روستایی و تجمیع روستاهای پراکنده.

- محوریت زدایی از روستاهای منطقه با توسعه یکپارچه نواحی روستایی و بهسازی و نوسازی روستاهای مرکزی.

- اولویت تجهیز مراکز روستایی و روستا شهرهای پیرامون شهرهای بزرگ که در حال حاضر در معرض مهاجرت های وسیع روستایی قرار گرفته اند.

- تجهیز مراکز روستایی نقاط حاشیه ای منطقه به منظور نگهداشت و تثبیت جمعیت روستایی در این کانونها.

- تجهیز مراکز روستایی سطوح برتر به منظور تسریع در کوتاه نمودن فاصله بین محل سکونت روستاییان و خدمات مورد نیاز آنها.

- تهیه و اجرای طرح های هادی روستایی در مراکز جمعیتی ۱۰۰ خانوار به بالا.

- تهیه و اجرای طرح های بهسازی کالبدی در مراکز دهستانهای فاقد طرح اجرا شده و روستاهای بالای ۴۰۰ خانوار.

- احداث و تکمیل شبکه های فاضلاب روستایی و تامین آب آشامیدنی بهداشتی (آب لوله کشی)

- ایجاد نواحی صنعتی روستایی در مراکز روستایی با پتانسیل تولید انواع محصولات کشاورزی.

- افزایش اشتغال، ایجاد تنوع شغلی، افزایش درآمد روستاییان و کاهش فاصله بین شهر و روستا از نظر استانداردهای اقتصادی، رفاهی و کیفیت زندگی.

- توسعه مدارس و آموزشهای ابتدایی، راهنمایی و متوسطه که یکی از دلایل مهاجرت چه فردی و چه گروهی می باشد .

- پوشش دادن جمعیت روستایی با تاسیس مراکز بهداشتی، درمانی و بالا بردن سطح بهداشت در نقاط مذکور.

همچنین در زمینه عمران شهری می توان به تقویت نقش سندج بعنوان شهردانشگاهی - صنعتی

- سرمایه گذاری در منطقه شهری مریوان - دریاچه زریوار به عنوان قطب توریستی منطقه

-اولویت در سرمایه گذاری دولت در زمینه زیرساخت ها و صنعت، در درجه نخست به سنج و نواحی جنوبی آن و در درجه دوم در جهت ایجاد محورهای ارتباطی با سایر شهرهای استان و تامین خدمات حداقل در این شهرها برای نگهداشت جمعیت.

-جلب سرمایه داری خصوصی و عمومی برای ایجاد خدمات شهری مناسب از بودجه های ملی، استانی و محلی.

-برخورد قاطع با مشاغل غیررسمی و غیرمجاز برای جلوگیری از شدت یافتن این معضل و در عین حال ساماندهی اصولی آن برای حمایت از اقشار آسیب پذیر.

از جمله پیشنهادهای جهت جلوگیری از رشد بی رویه شهری توان کمک به سرمایه گذاری اقتصادی و آگاهانه برای دست یابی به رفاه ساکنین در زمینه آسایش، راحتی، سلامت و بهداشت و طراحی و برنامه ریزی جهت شهرآنچنان که نیازهای حاضر را برآورده نماید.

بدون آنکه نیازی به اصلاح توسط نسلهای آینده باشد.

-رفع نواقص رشد فیزیکی و ناهماهنگی اجزاء متعدد شهر در راستای این حقیقت که تمام ناحیه شهر را به عنوان جوهر توسعه و برنامه ریزی ملاحظه می کند.

-برنامه ریزی اصولی و آینده نگر جهت محدود کردن جریان بی سابقه مهاجرت جمعیت روستایی به نواحی شهری تا حد معقول و معین.

-تهیه طرح ها و برنامه های جامع با جنبه های اساسی و نظریات دریافت شده از کارشناسان و عموم مردم (توجه به نقش مهم تخصص و مشارکت مردمی)

راهبردهای شهری مواجهه با محلات حاشیه نشین:

لزوم توجه به نقش آموزشی مناطق حاشیه نشین نیز باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد چون این مناطق امکاناتی را در اختیار تازه واردین قرار می دهد تا استعداد های مختلف آنها در جهات گوناگون بکار افتد و آموزش و فراهم نمودن زمینه شغلی در آینده و نحوه زندگی فردی و اجتماعی مهاجران و حاشیه نشینان بر عهده این مناطق است. در خصوص چاره اندیشی جهت مهاجرت های روستایی نیز باید سرمایه گذاری هاییکه در توسعه اقتصادی و شکوفایی صنایع روستایی موثر افتد انجام گیرد و به ایجاد شهرک های جدید نیاز فراوان است تا مسیرهای مهاجرتی تغییر جهت دهند و به سمت شهرهای کوچکتر بروند همچنین اجرای سیاست های عدم تمرکز ضروری بوده تا مراکز خدمات رسانی، سازمان های دولتی، صنایع، کارخانجات و دیگر عوامل جاذب جمعیت تنها در یک مرکز ویژه متمرکز نشوند و تعادلی از نظر سطح اشتغال و امکانات میان نواحی جغرافیایی برقرار شود.

در خصوص برخورد با حاشیه نشینان که با چند سال اقامت تثبیت شده باشد لازم است که از کوچ دادن آنها صرف نظر شود، چون این مسأله به هیچ وجه به صرفه اقتصادی نبوده و ممکن در بعضی از شرایط مورد استقبال واقع نشود لذا لازم می نماید که اقدامات دیگری با توجه به شرایط محیط صورت

گیرد باید با نظارت سازمانهای مسئول، محیط نسبتاً سالمی را جهت زندگی در این مناطق فراهم نمود. چون در صورت عدم وجود برنامه های لازم سبب بروز نابسامانی و کجروی در جامعه شهری می شود. از دیگر عوامل موثر در برنامه های عمرانی که باید صورت پذیرد:

۱- اطمینان و اعتماد حاشیه نشینان به اقامت دائمی در واحدهای مسکونی خود تا این اطمینان مشوقی برای ساکنان در بهبود وضع کالبدی مساکن و محله های مورد سکونتشان شود. این مسائله در مورد اکثر محله های حاشیه ای و خودرو سنج کاملاً مشهود است مثلاً در محله عباس آباد که یکی از محله های حاشیه ای و خودرو می باشد و حدود سه دهه از ساخت و سازهای آن می گذرد بنا به دلیل اینکه زمینهای این محله فاقد سند ثبتی می باشد لذا ساکنان آن چندان تمایلی به بهبود وضعیت فیزیکی و کالبدی مساکن خود ندارند.

۲- مشارکت حاشیه نشینان و سازمانهای دولتی در اجرای برنامه های اجتماعی، بهداشتی و ...

۳- تهیه امکانات حرفه آموزشی بوسیله سازمانهای دولتی

۴- ایجاد صنایع سبک برای تامین منابع درآمدی حاشیه نشینان

۵- تهیه وسایل و تجهیزات شهرداریها متناسب با وضعیت خاص محلات حاشیه ای شهر سنج با توجه به وضع توپوگرافی و عرض معابر از جمله ماشینهای آتش نشانی و زباله جمع کنی و ...

۶- تهیه طرح ویژه عمرانی جهت مناطق حاشیه نشین

باز سازی و بهسازی بافتهای حاشیه ای نیز می تواند با روشهای زیر شکل گیرد:

۱- مرمت و بهسازی بافتهای نسبتاً فرسوده

۲- تخریب خانه های فرسوده و اسکان جمعیت در منطقه دیگر که از قبل برنامه ریزی شده است.

۳- احداث خانه های آپارتمانی و مجتمعهای مسکونی و واگذاری آنها به صورت ارزان

۴- احداث کمر بند سبز در اطراف شهر، جهت کنترل رشد و توسعه شهر.

همچنین در نگرش اقتصادی و اجتماعی به مسائله حاشیه نشینی باید سعی شود که:

۱- مهاجرین روستایی که به شهرهای بزرگ وارد می شوند به عنوان یک منبع ملی شناخته شوند و در جهت توسعه اقتصادی ناحیه مورد قبول واقع گردند.

۲- کوشش شود که تازه واردین به شهرها در اقتصاد شهری جذب شوند. در عین حال باید این خواسته طوری صورت بگیرد که به سیما و بافت و اقتصاد شهری لطمه ای وارد نسازد و این امر با نظارت و دخالت مسولین و سازمان دهی شده باشد از جمله این اقدامات ایجاد مراکز ویژه ای برای دست فروشی و جمعه بازارها و مراکز فروش ویژه، این حالت بیش از جدایی گزینی مهاجرین روستایی از سایر طبقات به نفع جامعه شهری خواهد بود چرا که این عده در آینده در سرنوشت شهر نقشهایی را به عهده می گیرند.

۳- سعی شود که مهاجرین با یک طرح از پیش تعیین شده به منطقه ای که قبلاً از لحاظ زیرساختها و عوامل زیر بنایی مورد لزوم آماده سازی شده و شکل گیری و روند ساخت و ساز آن از روی نقشه و طرح

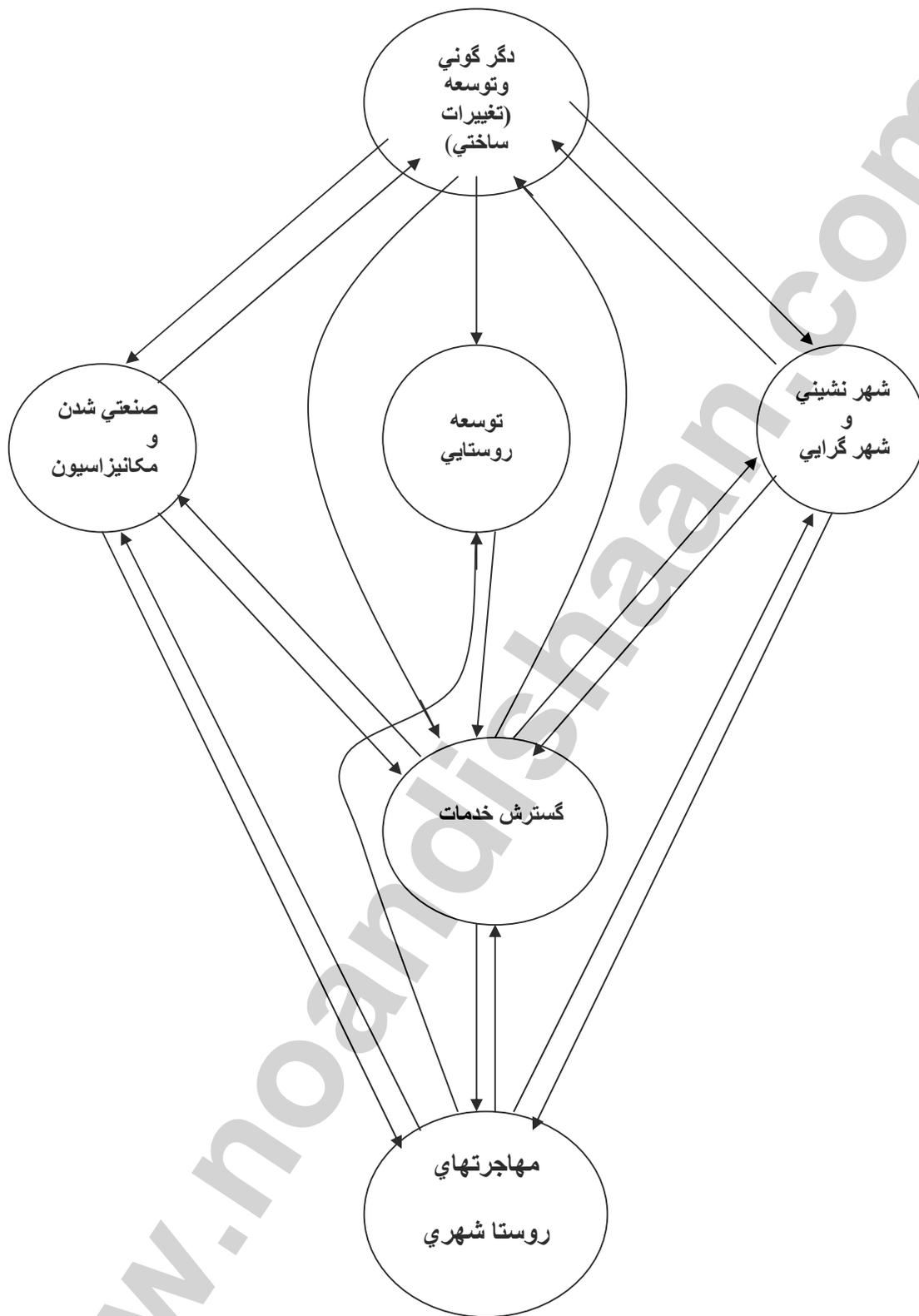
است صورت گیرد. چنین طرحی می تواند توسعه شهری را در مسیرهای سنجیده و منطقی قرار دهد. (آماده سازی زمین و واگذاری آن توسط دولت به افسار مختلف از اقدامات موفقیت آمیز می باشد.)

۴- همچنین روند ساخت و ساز به صورت عمودی و بلند مرتبه سازی به خصوص با توجه به شرایط خاص شهر سنندج و وضعیت توپوگرافی آن که در یک جام فضایی قرار گرفته که در این فضا نیز تپه های متعدد با شیب زیاد وجود دارد و زمینهای مناسب توسعه با محدودیت همراه است لذا در بعضی از محلات مناسب ایجاد بلند مرتبه سازی می تواند علاوه بر رونق دادن به فعالیتهای ساختمانی و کمک به مسأله اشتغال که بیشتر افراد حاشیه نشین نیز از آن بهره مندمی شوند از فشار بر مراکز خدمات رسانی و شبکه های تاسیساتی و تجهیزاتی بکاهد.

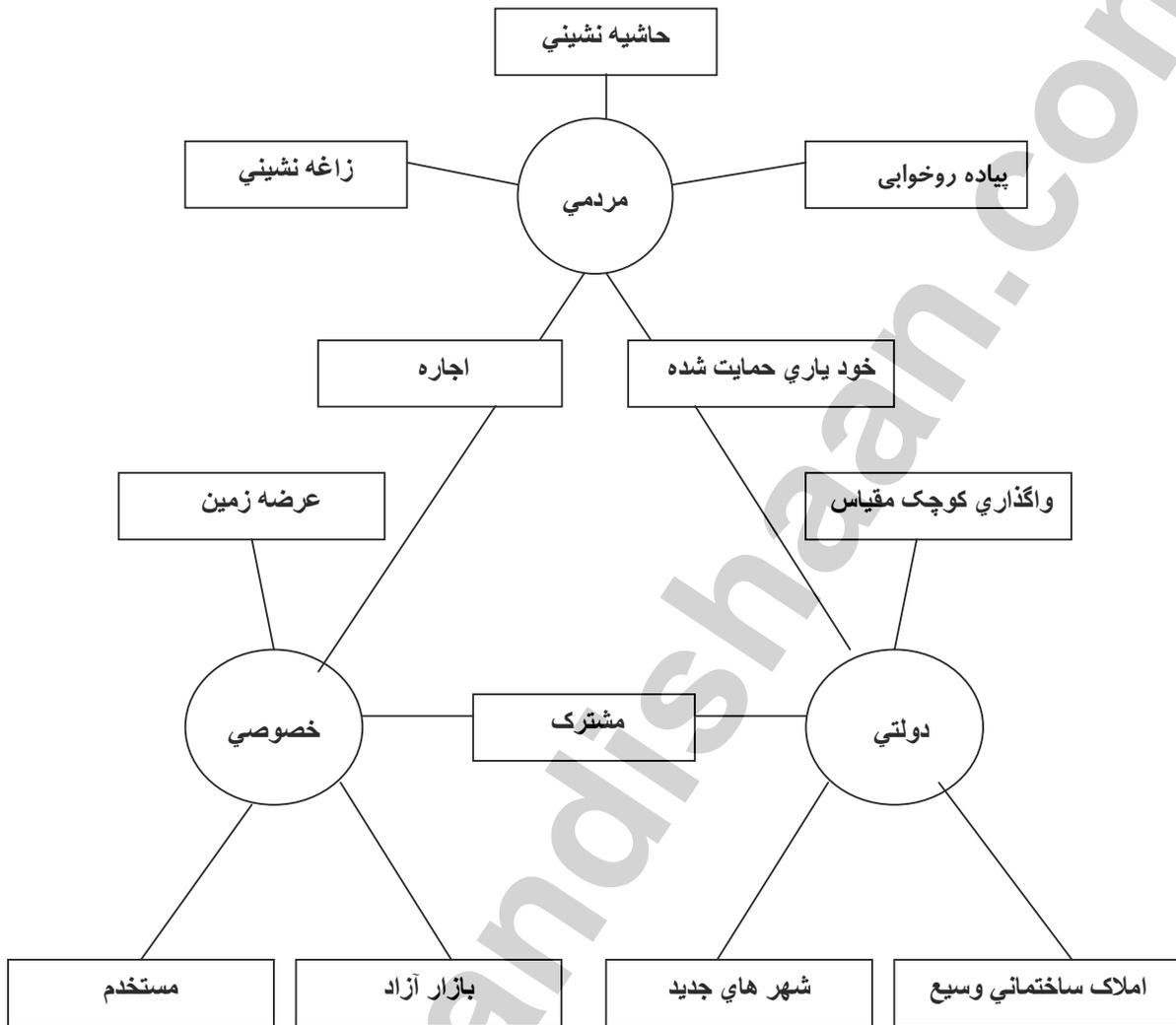
۵- بطور کلی باید طرحهای عمرانی از شرایط علمی با توجه به خصیصه های محلی تبعیت نماید و مسئولین و کارشناسان برنامه ریزی که در فکر تغییرات بنیادی در شرایط فیزیکی محله و فرهنگ مردم حاشیه نشین می باشند لازم است که از ارزشها و نیازهای مردم محل اطلاع کافی داشته و مسئولین از افرادی انتخاب شوند که بتوانند اعتماد و اطمینان مردم را جلب و از نیروی مشارکت مردمی که بسیار حائز اهمیت است در بهبود وضعیت در این مناطق بهره مند شوند تا بتوان به اهداف مورد نظر دست یافت.

منابع:

- ۱- شکویی، حسین، (۱۳۷۳) دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت
- ۲- پریور، جی، رابین، (۱۳۶۸)، یگانه سازی نظریات مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی، ترجمه و تخلص عبدالعلی لهسایی زاده، نظریات مهاجرت، انتشارات نوید، شیراز
- ۳- مشهدیزاده دهاقانی، ناصر، (۱۳۷۴)، تحلیلی از ویژگی‌های برنامه ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران
- ۴- شکویی، حسین، (۱۳۵۵)، حاشیه نشینان شهری، دانشگاه تبریز
- ۵- آلن گیلبرت و ژوزف گاگلر، (۱۳۷۵)، شهرها، فقر و توسعه (شهرنشینی در جهان سوم) مترجم پرویز کریمی ناصری انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران
- ۶- اطهاری، کمال، رفیعی، مینو و دیگران، (۱۳۷۴) حاشیه نشینی در ایران علل و راه حلها - گزارش مرحله اول و سوم، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، وزارت مسکن و شهرسازی
- ۷- فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۳۶۶
- ۸- بهبهانی، امیر اشکان، (۱۳۸۴)، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی (شناسایی بافتهای مساله دار شهری نمونه موردی تپه قیطریه)، دانشگاه علم و صنعت ایران
- ۹- حبیبی، کیومرث، (۱۳۸۴) توسعه کالبدی - فضایی شهرسندج با استفاده از ت‌ا‌پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
- ۱۰- آمار نامه استان ۱۳۷۵، مرکز آمار ایران
- ۱۱- حسین زاده دلیر، کریم، ۱۳۷۱، حاشیه نشینی در جستجوی معنی و مفهوم، بررسی روابط متقابل شهر و روستا، گردآورنده حسین علیزاده پروین، انتشارات فروغ آزادی



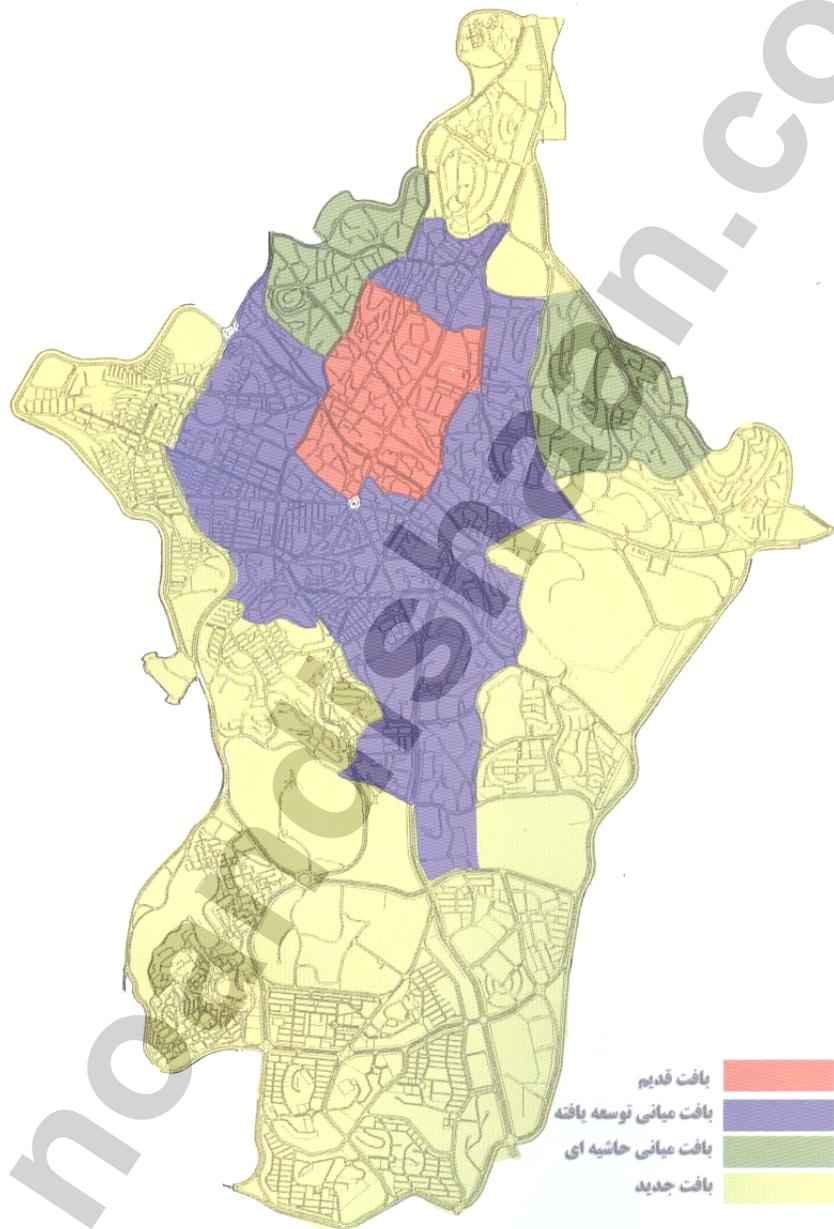
نمودار شماره ۱: ۱-دیاگرام نحوه تاثیر گذاری سیاست‌های توسعه (سیاست‌های مهاجرتی دولت) در مهاجرت‌های روستا-شهری. ماخذ: همان ص ۱۱



نمودار شماره ۲: انواع اصلی خانه سازی ارزان قیمت در جهان سوم

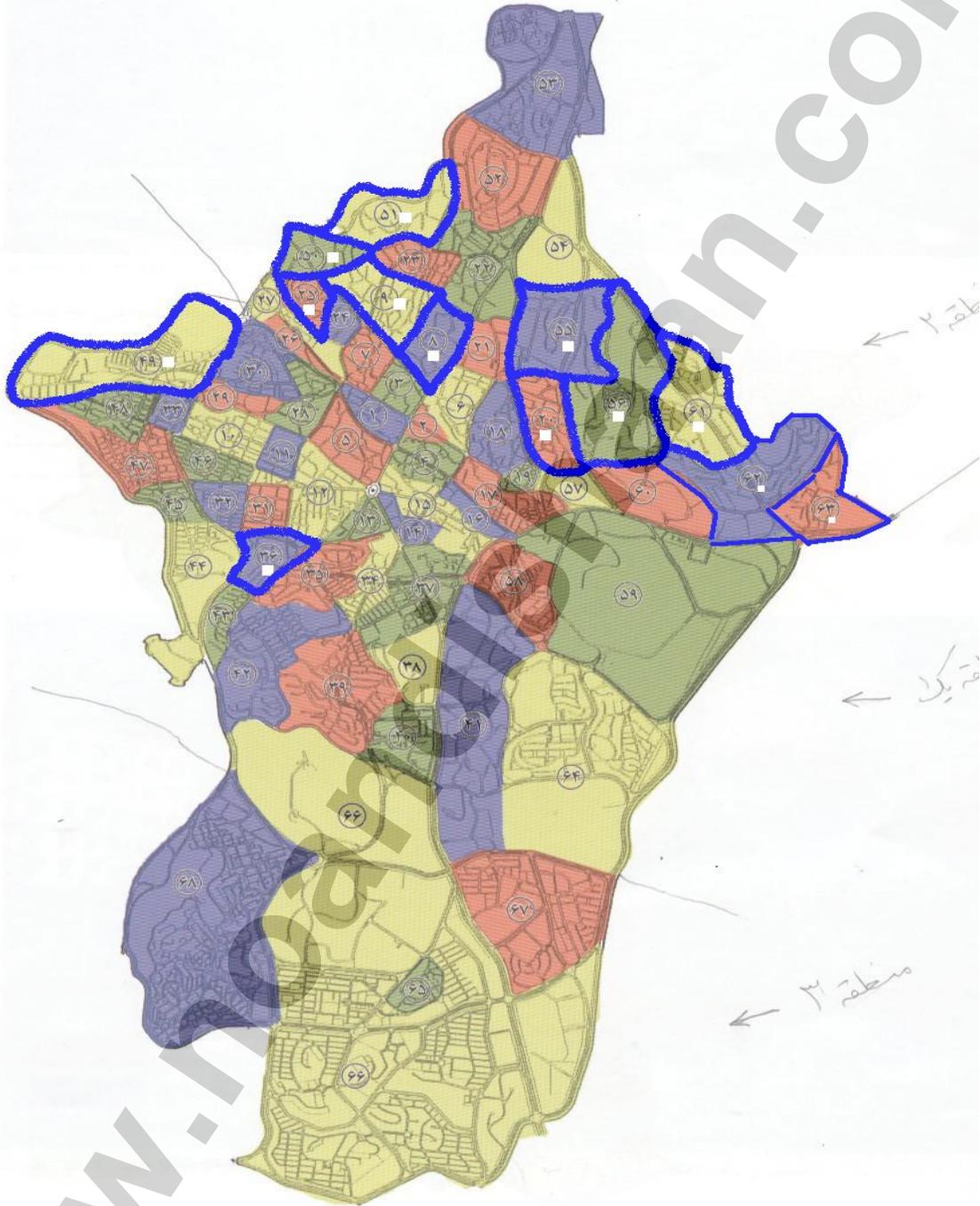
ماخذ- جما لی، فیروز، ۱۳۷۷، شهر جهان سومی

نقشه توسعه ادواری شهر سنندج



محدوده محلات حاشیه ای با رنگ آبی مشخص شده است

محلات بافت قدیم، میانی و جدید شهر سنندج



محلات بافت قدیم، میانی و جدید شهر سندج (محلات حاشیه ای)

نام محلات	نام محلات	نام محلات	نام محلات
مبارک آباد	۴۷	شیخان	۲۴
مسناو	۴۸	تپه شیخ محمدصادق	۲۵
حاجی آباد	۴۹	اصل چهار	۲۶
گردی گرو	۵۰	نظام آباد	۲۷
تقتان	۵۱	تازه آباد	۲۸
شهرک اداره راه	۵۲	تپه شیخ محمدصادق و تپه روسی	۲۹
شهرک بعثت	۵۳	چهار دیواری	۳۰
تربیت معلم	۵۴	کلکه جار	۳۱
کانی کوزله	۵۵	شهرک نور	۳۲
عباس آباد	۵۶	کوی قضات	۳۳
جبل الرحمه	۵۷	شریف آباد	۳۴
گریشان	۵۸	زور آباد	۳۵
تپه توس نوذر	۵۹	غفور	۳۶
تپه کشاورز	۶۰	ادب	۳۷
فرجه	۶۱	جام جم	۳۸
شهرک مولوی	۶۲	تپه کرباسی	۳۹
قشلاق	۶۳	شالمان	۴۰
دگایران	۶۴	دیدگاه (بلوار)	۴۱
قرادیان	۶۵	شهرک سعدی	۴۲
بهاران فازیک	۶۶	شهرک کشاورز	۴۳
شهرک پیام	۶۷	تکیه وچمن	۴۴
بهاران فازدو	۶۸	صادق آباد	۴۵
		شهرک قدس	۴۶